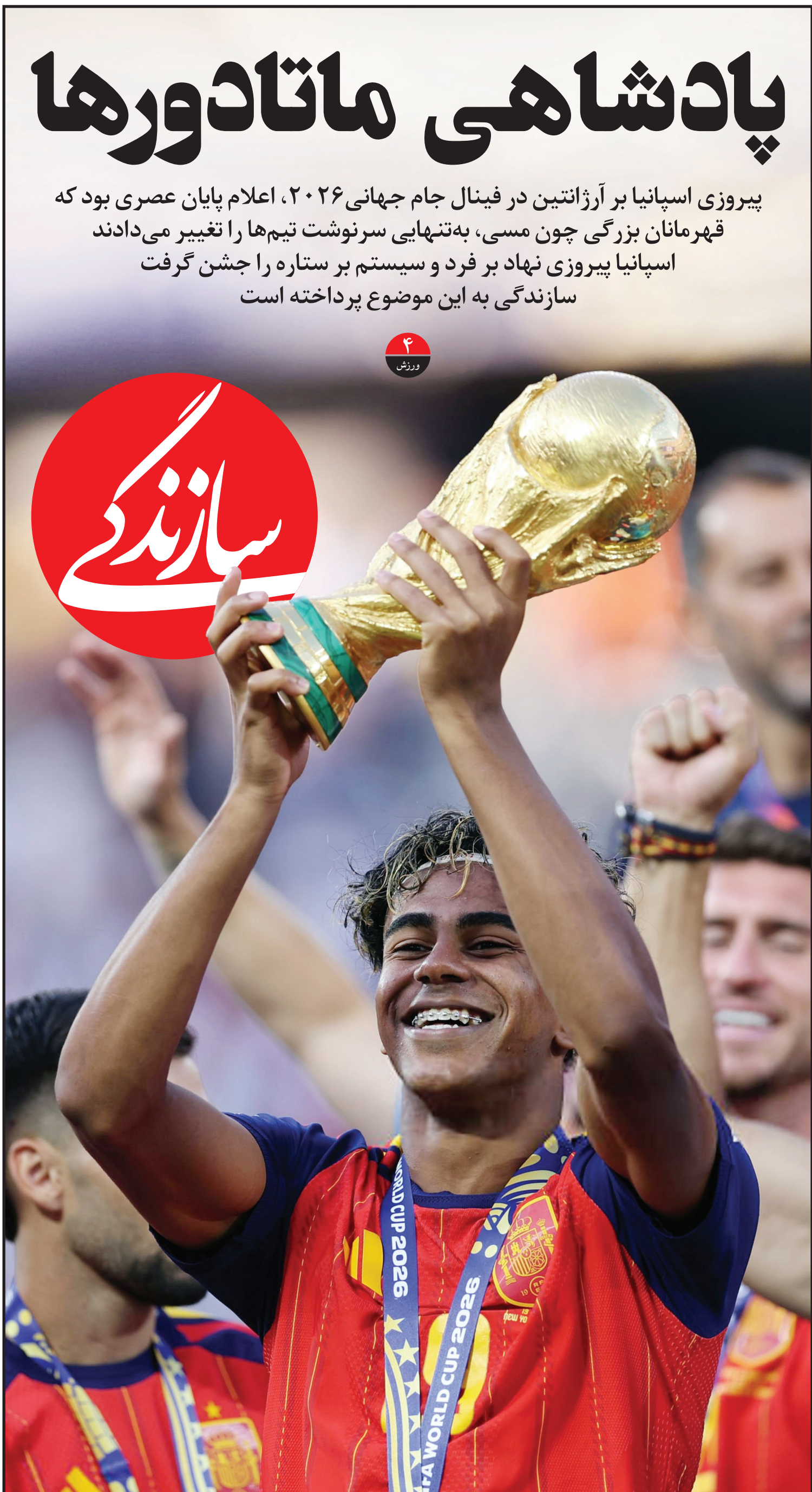


پیشنهاد دوحه
میانجیگری قطر برای آتش بسخدا حافظی استامر
آغاز به کار دولت جدید انگلیسنتیجه تیول داری
درباره بنگاه‌های قربانی مدیراناز تبریز تا بوشهر
گسترش حملات آمریکا

پادشاهی ماتادورها

پیروزی اسپانیا بر آرژانتین در فینال جام جهانی ۲۰۲۶، اعلام پایان عصری بود که قهرمانان بزرگی چون مسی، به‌تنهایی سرنوشت تیم‌ها را تغییر می‌دادند
اسپانیا پیروزی نهاد بر فرد و سیستم بر ستاره را جشن گرفت
سازندگی به این موضوع پرداخته است



سرمقاله

راهبرد تاب‌آوری

بررسی دور جدید جنگی که
آمریکا علیه ایران آغاز کرد

علی هاشمی

قائم‌مقام دبیرکل
حزب کارگران سازندگی ایران



تقابل ایران و آمریکا وارد مرحله‌ای شده که دیگر نمی‌توان آن را صرفاً در قالب فشارهای اقتصادی، جنگ نیابتی یا رویارویی‌های محدود منطقه‌ای تحلیل کرد. از حدود یک سال گذشته، این منازعه به‌تدریج ماهیتی نظامی‌تر یافته و اکنون در چرخه‌ای از درگیری، توقف، آتش‌بس و تفاهم‌های موقت جریان دارد و آنچه امروز بیش از هر عامل دیگری رفتار دو طرف را تعیین می‌کند، نه صرفاً قدرت نظامی بلکه تاب‌آوری است؛ سنجه‌ای که آینده این تقابل را رقم خواهد زد.

در این مرحله، تهران و واشنگتن بیش از آنکه به‌دنبال پیروزی قاطع باشند، ظرفیت تحمل و استمرار طرف مقابل را ارزیابی می‌کنند. تاب‌آوری اقتصادی، نظامی و اجتماعی ایران در برابر فشارها، در مقابل تاب‌آوری سیاسی، اقتصادی و افکار عمومی آمریکا به مهم‌ترین متغیر تصمیم‌گیری دو طرف تبدیل شده است.

برای ایالات متحده، این جنگ صرفاً به خاورمیانه محدود نمی‌شود. هرگونه تنش در منطقه مستقیماً بر بازار جهانی انرژی، قیمت نفت و بنزین و در نتیجه بر نرخ تورم در آمریکا و اروپا اثر می‌گذارد. این موضوع همزمان بر جنگ اوکراین نیز سایه می‌اندازد؛ زیرا افزایش قیمت انرژی می‌تواند، منابع مالی بیشتری در اختیار روسیه قرار دهد. از سوی دیگر، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس که شرکای راهبردی واشنگتن محسوب می‌شوند از تداوم ناامنی متضرر می‌شوند و همین مسئله، فشار مضاعفی بر دولت آمریکا وارد می‌کند. این کشورها علاوه بر خریدهای کلان تسلیحاتی از آمریکا، سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در اقتصادهای غربی به‌ویژه اروپا دارند و بی‌ثباتی منطقه‌ای، منافع آنها را نیز تهدید می‌کند.

در داخل آمریکا نیز مسئله تلفات انسانی همچنان یکی از حساس‌ترین موضوعات سیاسی است. کشته شدن نظامیان آمریکایی همواره به شاخصی برای ارزیابی عملکرد رؤسای جمهور تبدیل شده است؛ چنانکه در دوره جو بایدن نیز کشته شدن چند نظامی آمریکایی در اردن، واکنش نظامی گسترده واشنگتن علیه نیروهای همسو با ایران در عراق و سوریه را به‌دنبال داشت. بنابراین تاب‌آوری افکار عمومی آمریکا در برابر هزینه‌های انسانی جنگ، محدودیتی جدی برای تصمیم‌گیران کاخ سفید ایجاد می‌کند.

در سوی دیگر، ایران نیز با سه مؤلفه اصلی تاب‌آوری مواجه است. نخست، تاب‌آوری اقتصادی؛ اقتصادی که سال‌ها تحت فشار تحریم قرار داشته و در صورت تشدید درگیری‌ها، به‌ویژه با محدودیت‌های دریایی یا اختلال در صادرات نفت، آسیب‌پذیری بیشتری خواهد داشت. تجربه کاهش صادرات نفت و اختلال در فعالیت بنادر پس از دوره اخیر تنش‌ها، نشان داد که فشار بر اقتصاد همچنان یکی از ابزارهای اصلی طرف مقابل است.

دوم، تاب‌آوری مدیریتی دولت در اداره کشور طی شرایط بحرانی است. هرچند ممکن است در حوزه تأمین برخی کالاها یا کنترل قیمت‌ها، کاستی‌هایی وجود داشته باشد اما در مجموع می‌توان گفت مدیریت کشور در عبور از شرایط اضطراری، مانع از شکل‌گیری بحران فراگیر در حوزه تأمین نیازهای عمومی شده است؛ موضوعی که رئیس‌جمهور نیز در سخنان اخیر خود بر آن تأکید داشت.

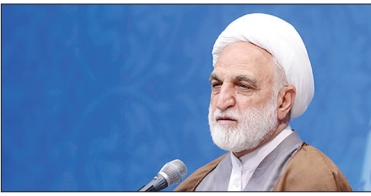
ادامه در صفحه ۲

سیاست

دفاع اژه‌ای از پزشکيان

رئيس قوه قضائيه:

همه موظف و مکلفيم که به دولت کمک کنيم



گروه سیاسی: رئیس قوه قضائیه با تأکید بر شرایط حساس کشور، حمایت همه‌جانبه از دولت را یک وظیفه ملی دانست و گفت همه دستگاه‌ها باید برای جلوگیری از هرگونه اختلال در اداره کشور و تقویت نیروهای مسلح، نهایت همکاری را با دولت داشته باشند. محسنی‌اژه‌ای همچنین با اشاره به رویکرد رئیس‌جمهور بر توجه همزمان به مقابله با دشمن، حفظ وحدت ملی و رسیدگی به معیشت و تسآآوری مردم تأکید کرد.
به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، حجت‌الاسلام‌المسلمین غلامحسین محسنی‌اژه‌ای در نشست شورای عالی قوه قضائیه که با حضور مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور برگزار شد، با اشاره به شرایط دشوار کشور اظهار کرد: «همه ما موظف و مکلفیم که به دولت کمک کنیم تا در اداره امور کشور و قوای مسلح، کوچک‌ترین خللی ایجاد نشود».

رئیس قوه قضائیه با توصیف رئیس‌جمهور به‌عنوان «انسانی بااخلاص» گفت: «دکتر پزشکیان تمام همّ و غمّ خود را گذاشته تا آنچه به نفع اسلام، ایران و مردم است، رقم بخورد» و افزود که همه مسئولان باید نهایت مساعدت را به دولت داشته باشند. وی با اشاره به مواضع رئیس‌جمهور درباره تبعیت از رهنمودهای رهبر انقلاب و حمایت از نیروهای مسلح، اظهار کرد: «دکتر پزشکیان اعتقاد راسخ دارد که کلام رهبری فصل‌الخطاب است و باید به نیروهای مسلح نهایت کمک و مساعدت را داشت؛ ما این موضع رئیس‌جمهور را می‌ستاییم».

محسنی‌اژه‌ای با تأکید بر ضرورت ایستادگی در برابر دشمن تصریح کرد که میان مسئولان کشور درباره ادامه مقابله با آمریکا و دشمنان اختلاف نظری وجود ندارد و گفت: «دشمن آمریکایی ما به هیچ‌وجه قابل اعتماد نیست؛ ما در برابر او کوتاه نمی‌آییم و تا پای جان ایستادگی می‌کنیم». وی همچنین تأکید کرد که مطالبه مردم برای خونخواهی و استمرار مبارزه با دشمن، موضعی حق‌مدارانه است و مسئولان نیز باید بر آن پایبند باشند.

رئیس دستتگاه قضا با اشاره به سخنان رئیس‌جمهور درباره وجود برخی موانع، خاطرنشان کرد که این اظهارات نباید به‌معنای ناامیدی تعبیر شود. به گفته وی، پزشکيان با طرح این مسائل در واقع از سایر قوا برای حل مشکلات و پیشبرد امور درخواست همکاری می‌کند و بر همه مسئولان فرض است که در این مسیر به دولت یاری برسانند. وی در عین حال بر لزوم توجه همزمان به مسائل اقتصادی و معیشتی مردم تأکید کرد و گفت، رئیس‌جمهور معتقد است در کنار استمرار مبارزه با دشمن باید به تسآآوری جامعه و مشکلات معیشتی مردم نیز توجه ویژه داشت زیرا ایستادگی در برابر دشمن، هزینه‌هایی دارد که مدیریت آنها نیازمند همراهی و برنامه‌ریزی است. محسنی‌اژه‌ای همچنین به اعتقاد رئیس‌جمهور نسبت به استفاده از ظرفیت‌های مردمی اشاره کرد و گفت، پزشکيان در جلسات مختلف با معتمدان و نخبگان همواره بر بهره‌گیری از استعدادها و توانمندی‌های مردم برای عبور از مشکلات کشور تأکید می‌کند.

رئیس قوه قضائیه در بخش دیگری از سخنان خود حفظ وحدت و انسجام ملی را از مهم‌ترین ضرورت‌های شرایط کنونی دانست و هشدار داد که دشمن تلاش می‌کند از طریق نفوذ و ایجاد اختلاف، جامعه را دچار شکاف کند. وی گفت: «فرد نفوذی یا تابلوی دشمن به میدان نمی‌آید بلکه با پوشش خودی در داخل صفوف ملت قرار می‌گیرد تا آنها را به جان هم بیندازد». او افزود مسئولان باید بیش از گذشته مراقب باشند تا وحدت و انسجام ملی آسیب نبیند و اجازه ندهند، دشمنان از اختلافات داخلی سوء استفاده کنند.

محسنی‌اژه‌ای در پایان بر ضرورت التزام همگان به قانون، به‌ویژه در شرایط خاص و جنگی، تأکید کرد و گفت در چنین شرایطی علاوه بر اجرای قوانین باید مصالح، اولویت‌ها و فوریت‌ها نیز مورد توجه قرار گیرد. به گفته رئیس قوه قضائیه، تفویض اختیارات لازم به مدیران اجرایی برای تسریع در تصمیم‌گیری ضروری است اما این امر باید همراه با نظارت دقیق باشد تا از بروز هرگونه خطا یا سوء استفاده جلوگیری شود.

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

پیام رهبری به خاتمی

روایت محمد عطریان‌فر از پیامی که آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای برای سیدمحمد خاتمی فرستاد



را از سوی رهبری جدید دارای معنای مهمی دانست و گفت: «این پیام از ناحیه رهبری جدید معنای بسیاری دارد؛ زیرا در طول حدود ۲۰ سال گذشته همواره آقای خاتمی به نوعی مورد ستم قرار گرفته است. درحالی که انتظار می‌رفت از سوی حاکمیت از ایشان حمایت شود نه‌تنها چنین حمایتی صورت نگرفت بلکه زمینه‌ای فراهم شد تا نسبت به ایشان جسارت و بی‌حرمتی شود. از این‌رو این پیام می‌تواند بسیار راهگشا باشد و امید می‌رود در آینده، روح همدلی، همراهی و هم‌نوایی را در سطوح مختلف تقویت کند». عطریان‌فر در پاسخ به پرسشی درباره ارسال پیام مشابه برای حسن روحانی نیز اظهار کرد: «من اطلاع دقیقی ندارم. تصور این است که اگر چنین نامه‌ای ارسال شده بود، مطلع می‌شدم. بنابراین گمان می‌کنم چنین نامه‌ای برای ایشان ارسال نشده باشد». او در ادامه به پیشینه روابط رهبر جدید با سیدمحمد خاتمی نیز اشاره کرد و گفت در دوران حیات آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله مجتبی خامنه‌ای به دلیل جایگاه و نقش پدرشان کمتر در معرض دید افکار عمومی قرار داشتند اما میان خاندان خامنه‌ای و خاندان خاتمی از گذشته روابطی صمیمانه و اخلاقی برقرار بوده است. وی با اشاره به دوستی مرحوم آیت‌الله سیدروح‌الله خاتمی، پدر سیدمحمد خاتمی با آیت‌الله خامنه‌ای گفت این ارتباط به سال‌های پیش از انقلاب بازمی‌گردد و آیت‌الله خامنه‌ای در مسیر سفرهای خود بارها در منزل آیت‌الله روح‌الله خاتمی اقامت می‌کردند. عطریان‌فر همچنین یادآور شد که در سال ۱۳۶۰ نیز انتخاب سیدمحمد خاتمی به‌عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با توصیه آیت‌الله خامنه‌ای به میرحسین موسوی و شخص خاتمی انجام شد؛ موضوعی که از نگاه او نشان‌دهنده سابقه دیرینه روابط دوستانه و احترام متقابل میان دو خانواده است.

جلیلی حذف نمی‌شود اما به حاشیه خواهد رفت

عطریان‌فر در بخش دیگری از این گفت‌وگو به ارزیابی آینده سیاسی سعید جلیلی پرداخت. او با بیان اینکه برای جلیلی احترام شخصی قائل است، وی را فردی «متدین، مذهبی، اهل مناسک و اخلاق»

توصیف کرد اما معتقد است، روند حضور او در مناصب عالی سیاسی، روندی طبیعی و تدریجی نبوده و با «پرش‌های چندپله‌ای» همراه بوده است. به گفته معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران، جلیلی تا پیش از سال ۱۳۸۴ در جایگاه یک کارشناس وزارت امور خارجه فعالیت می‌کرد و پس از آن در دولت محمود احمدی‌نژاد به سرعت به مناصب بالاتر از جمله دبیری شورای عالی امنیت ملی و مسئولیت مذاکرات هسته‌ای رسید؛ درحالی که به اعتقاد او، کارنامه آن دوره دستاورد قابل‌توجهی برای کشور به همراه نداشت و امروز حتی بسیاری از حامیان سابق دولت احمدی‌نژاد نیز عملکرد آن دوره را نقد می‌کنند.

عطریان‌فر معتقد است، جایگاهی که امروز برای جلیلی به‌عنوان رهبر یک جریان فکری ترسیم می‌شود بیش از هر چیز محصول رقابت‌های سیاسی سال‌های اخیر است و جریان‌های تندرو، او را به نماد خود تبدیل کرده‌اند. با این حال او توصیه می‌کند، جلیلی از این جایگاه فاصله بگیرد و اجازه ندهد به‌عنوان نماد افراط‌گرایی شناخته شود. وی با تأکید بر اینکه جریان‌های رادیکال از صحنه سیاست حذف نخواهند شد، پیش‌بینی کرد این طیف به‌تدریج تضعیف شده و به حاشیه رانده می‌شود؛ زیرا دیگر مانند گذشته، نفوذ و ظرفیت اثرگذاری در حوزه‌های اطلاعاتی، امنیتی، سیاسی و نظامی نخواهد داشت. به گفته او همان‌گونه که جریان منتسب به محمود احمدی‌نژاد به مرور جایگاه خود را از دست داد این جریان نیز با وضعیتی مشابه اما حتی شدیدتر مواجه خواهد شد. عطریان‌فر البته ابراز امیدواری کرد که جلیلی سرنوشتی مشابه احمدی‌نژاد پیدا نکند و گفت ترجیح می‌دهد، او در عرصه سیاست باقی بماند اما بدون آنکه با برجسب افراط‌گرایی شناخته شود. او تأکید کرد، جلیلی را فردی اخلاق‌مدار می‌داند و معتقد است «حیف است چنین نستی به ایشان داده شود». این عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران همچنین با اشاره به نقش جریان‌های تندرو گفت این جریان‌ها بیش از آنکه قدرت حل مسئله داشته باشند قدرت ایجاد اختلال دارند. به گفته او، «اخلال کردن هنر نیست؛ هنر، ساختن و تأمین منافع ملی است». عطریان‌فر معتقد است، امروز هم جامعه و هم حاکمیت به سمت عقلانیت بیشتری حرکت کرده‌اند و اجازه نخواهند داد، دیدگاه‌های افراطی دوباره روند تصمیم‌گیری‌های کلان کشور را تحت‌تأثیر قرار دهد.

قالیباف جای هاشمی را نمی‌گیرد

عطریان‌فر در ادامه درباره محمدباقر قالیباف نیز گفت او را مدیری پرتلاش، با تجربه و اثرگذار می‌داند که در همه مسئولیت‌های خود تلاش کرده، موفق باشد. وی با اشاره به حضور چندباره قالیباف در انتخابات ریاست‌جمهوری گفت، کمتر سیاستمداری پس از چند شکست انتخاباتی همچنان در عرصه رقابت باقی می‌ماند اما قالیباف این مسیر را ادامه داده است. او با وجود حمایت از عملکرد اخیر رئیس مجلس، به‌ویژه در مأموریت‌های مرتبط با مذاکرات، تأکید کرد مقایسه قالیباف با مرحوم آیت‌الله اکبر هاشمی‌رفسنجانی درست نیست و «هیچ‌کس جای دیگری را نمی‌گیرد».

احمدی‌نژاد و گزارش نیویورک‌تایمز

عطریان‌فر در بخش دیگری از گفت‌وگو به گزارش منتشر شده در روزنامه نیویورک‌تایمز درباره محمود احمدی‌نژاد نیز واکنش نشان داد و گفت نباید ذهن کشور درگیر چنین گزارش‌هایی شود. او این گزارش‌ها را بیشتر در حد گمانه‌زنی و فضاسازی رسانه‌ای دانست و گفت بعید می‌داند سناریوهای مطرح شده درباره احمدی‌نژاد واقعیت داشته باشد. به اعتقاد وی، احمدی‌نژاد امروز آن جایگاه سیاسی را ندارد که غرب بخواهد سرمایه‌گذاری ویژه‌ای روی او انجام دهد.

برای تهران مطلوب‌تر ارزیابی می‌شود. اما این تفاهم‌نامه‌ها اجرا نمی‌شود یا ناقص می‌ماند؛ و در مرحله بعد ممکن است به تفاهمی برسند یا به سمت تعیین‌شده‌ای از گفت‌وگوها گام بردارند که بتواند اختلاف با غرب- به‌ویژه آمریکا- را به سمت حل یا عقب‌نشینی از مواضع فعلی هدایت کند.

اما چشم‌انداز رسیدن به توافقی پایدار همچنان مبهم است. اگر چه امکان بازگشت به مسیر تفاهم وجود دارد اما تا زمانی که دو اختلاف اصلی یعنی پرونده هسته‌ای و امنیت تگه هرمز، حل‌وفصل نشود نمی‌توان انتظار داشت این رویارویی از چرخه تنش و آتش‌بس‌های موقت خارج نشود. به همین دلیل آینده این منازعه بیش از هر چیز به این بستگی دارد که کدام طرف بتواند در میدان تآب‌آوری دست برتر را حفظ کند.

به‌نظر می‌رسد، مرحله جدید مذاکرات نیز دیگر بر محور موضوعاتی مانند برنامه موشکی یا نیروهای نیابتی در منطقه متمرکز نیست؛ دست‌کم در اولویت فعلی آمریکا این مسائل کم‌رنگ‌تر شده‌اند. اکنون دو محور اصلی اختلاف، برنامه هسته‌ای ایران و موضوع امنیت تگه هرمز است؛ دو پرونده‌ای که تعیین‌تکلیف آنها می‌تواند، مسیر آینده روابط تهران و واشنگتن را مشخص کند.

واقعیت آن است که عملکرد ایران در حفظ تسآآوری، به‌ویژه در کوتاه‌مدت، توانسته بر روند تفاهم‌های اخیر اثرگذار باشد و زمینه کسب امتیازاتی را فراهم کند که در مقایسه با برخی برآوردهای گذشته



خدا حافظی استارمر

نخست‌وزیری که در قدرت دوام نیاورد

گروه بین‌الملل: کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا، با حضور در کاخ باکینگهام استعفا‌ی خود را به چارلز سوم، پادشاه این کشور، تقدیم کرد. پادشاه نیز استعفا‌ی او را پذیرفت و به دوران نخست‌وزیری استارمر پایان داد.

در ادامه، چارلز سوم با صدور حکمی، اندی برنهام، رهبر جدید حزب حاکم کارگر، را به‌عنوان نخست‌وزیر جدید بریتانیا منصوب کرد.

برنهام پس از دیدار با پادشاه، مأمور تشکیل دولت شد و راهی ساختمان شماره ۱۰ داوونینگ‌استریت، اقامتگاه رسمی نخست‌وزیر، شد. او هفتمین نخست‌وزیر بریتانیا در طول یک دهه گذشته به‌شمار می‌رود و اکنون باید اعضای کابینه جدید خود را معرفی کند. استارمر در سخنانی با بیان اینکه «کار من به پایان رسیده است» گفت در ۶ سال‌ونیم گذشته، حزب کارگر را از شکست انتخابات ۲۰۱۹ به پیروزی قاطع در انتخابات سراسری ۲۰۲۴ رساند و خدمت به مردم بریتانیا در مقام نخست‌وزیر را بزرگ‌ترین افتخار زندگی خود دانست.

وی مدعی شد، بریتانیا اکنون نسبت به دو سال پیش «قوی‌تر و عادلانه‌تر» شده و از بهبود وضعیت اقتصادی، کاهش زمان انتظار در خدمات درمانی، کاهش فقر کودکان، کاهش مهاجرت

و تقویت توان دفاعی و جایگاه بین‌المللی این کشور به‌عنوان دستاوردهای دولت خود یاد کرد.

به گزارش پایگاه کانورسیشن ۶ سال پیش، کی‌یر استارمر رهبری حزبی را برعهده گرفت که در چهار انتخابات عمومی متوالی شکست خورده بود و با آسیب جدی به اعتبار سیاسی خود دست‌وپنجه نرم می‌کرد. در همان ماهی که او رهبری حزب را به‌دست گرفت، حزب کارگر تنها ۲۹ درصد حمایت افکار عمومی را در اختیار داشت و ۲۲ واحد درصد از حزب محافظه‌کار به رهبری بوریس جانسون عقب‌تر بود. استارمر که بارها به‌عنوان سیاستمداری «بی‌رحم» در اصلاحات درون‌حزبی توصیف شد و خود نیز گاه این ویژگی را پذیرفته بود با اخراج اعضای مرتبط با یهودستیزی یا کسانی که از حزب فاصله گرفته بودند چهار سال صرف آماده‌سازی حزب برای یک کارزار انتخاباتی موفق کرد. البته رسوایی‌ها و تغییرات مکرر رهبری در حزب محافظه‌کار حاکم نیز به سود استارمر تمام شد. از نوامبر ۲۰۲۱ حزب کارگر در نظر‌سنجی‌ها از محافظه‌کاران پیش افتاد و این برتری را تا انتخابات سراسری ژوئیه ۲۰۲۴ حفظ کرد. استارمر تلاش داشت، رأی‌دهندگان را با وعده «نوسازی ملی» و شعار «کشور در اولویت، حزب در مرتبه دوم» با خود همراه کند.

دیپلماسی

پیشنهاد دوحه

قطر پیشنهاد جدیدی را برای توقف جنگ بین ایران و آمریکا ارائه کرد

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

جنگ میان ایران و آمریکا وارد مرحله‌ای شده که هم‌زمان با ادامه حملات نظامی، دیپلماسی نیز بار دیگر به میدان بازگشته است. درحالی که حملات متقابل در طرف برای نهمین شب متوالی ادامه دارد، میانجی‌های منطقه‌ای طرحی برای برقراری یک آتش‌بس ۱۰ روزه به تهران ارائه کرده‌اند؛ پیشنهادی که هدف آن ایجاد فرصتی کوتاه برای احیای یادداشت تفاهمی است که ماه گذشته با هدف توقف جنگ امضا شد اما اکنون عملاً فروپاشیده است. این تحرک دیپلماتیک در شرایطی صورت می‌گیرد که میدان نبرد هر روز گسترده‌تر می‌شود؛ از حملات آمریکا به خاک ایران گرفته تا پاسخ تهران علیه مواضع آمریکا در کشورهای عربی، ناامن شدن تنگه هرمز و ورود بازیگران جدیدی مانند یمن به معادله منطقه‌ای. ایران در واکنش به تجاوز آمریکا به جنوب، مواضعی را در کشورهای عرب متحد آمریکا ازجمله کویت و بحرین هدف قرار داد. هم‌زمان یک کشتی دیگر در تنگه هرمز بر اثر اصابت یک پرتابه دچار آتش‌سوزی شد و باعث شد خدمه آن، کشتی را ترک کنند.

چرا آتش‌بس اهمیت دارد؟

اهمیت این پیشنهاد تنها به توقف موقت درگیری‌ها محدود نمی‌شود. آتش‌بس ۱۰ روزه شاید آخرین فرصت برای جلوگیری از تبدیل شدن یک جنگ

دوجانبه به بحرانی فراگیر در خاورمیانه باشد؛ بحرانی که اکنون نه‌تنها امنیت منطقه بلکه بازار جهانی انسرژی، تجارت دریایی و حتی فضای سیاسی داخلی آمریکا را نیز تحت‌تأثیر قرار داده است. در واقع اگر این ابتکار شکست بخورد احتمال حرکت طرفین به سمت دور تازه‌ای از عملیات نظامی بسیار بیشتر خواهد شد؛ عملیاتی که می‌تواند، کشورهای بیشتری را وارد جنگ کند.

زمینه موضوع چیست؟

پیشنهاد جدید بر پایه همان یادداشت تفاهمی شکل گرفته که ماه گذشته میان ایران و آمریکا با میانجی‌گری کشورهای منطقه به امضا رسید. آن توافق، آتش‌بسی ۶۰ روزه، بازگشایی تنگه هرمز و آغاز مذاکرات برای حل دائمی اختلافات هسته‌ای را پیش‌بینی می‌کرد. اما این توافق از همان ابتدا با یک مانع جدی روبه‌رو بود؛ مخالفت شدید اسرائیل. تل‌آویو معتقد

این راهبرد تا حدی موفق بود. حزب کارگر در انتخابات ۲۰۲۴ پیروزی قاطعی به‌دست آورد اما این موفقیت تا اندازه زیادی محصول نظام انتخاباتی بریتانیا نیز بود نه صرفاً محبوبیت استارمر. حدود دوسوم رأی‌دهندگان- و البته شمار زیادی که اصلاً رأی ندادند- به احزابی غیر از حزب کارگر رأی دادند. با این حال این حزب، کار خود را در پارلمان با ۴۱۲ کرسی آغاز کرد؛ دومین پیروزی بزرگ تاریخ حزب.

اما به‌نظر رسید که شعار «کشور در اولویت، حزب در مرتبه دوم» الزماً دستورالعمل مناسبی برای اداره کشور نیست. استارمر در ماه‌های نخست نخست‌وزیری، تصمیم‌هایی گرفت که با استقبال اعضای حزیش مواجه نشد؛ ازجمله اصلاحات نظام رفاه، تغییر در پرداخت کمک هزینه سوخت زمستانی و مالیات بر ارث کشاورزان. هم‌زمان او متهم شد که در موضوع مهاجرت و برخی مسائل اجتماعی از ادبیات حزب راست‌گرای رفرم بریتانیا تقلید می‌کند؛ حزبی که در آن زمان با سرعت در نظر‌سنجی‌ها در حال رشد بود. واکنش منفی افکار عمومی و اعضای حزب،

آمریکایی خبر داده، حملات متقابل همچنان ادامه دارد، محاصره دریایی بنادر ایران دوباره برقرار شده و عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز به‌شدت مختل شده است. در بازارهای جهانی نیز آثار جنگ آشکار است. افزایش قیمت نفت به بیش از ۸۶ دلار، رشد قیمت سوخت در آمریکا و نگرانی نسبت به امنیت یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انرژی جهان همگی نشان می‌دهد، هزینه‌های این بحران تنها به میدان نبرد محدود نمانده است.

اختلاف بر سر چیست؟

اختلاف امروز دیگر صرفاً بر سر برنامه هسته‌ای ایران نیست. واشنگتن همچنان به‌دنبال محدود کردن توان هسته‌ای و نظامی ایران و کاهش نفوذ منطقه‌ای تهران است؛ در مقابل، ایران رفع فشارهای نظامی و اقتصادی، پایان محاصره دریایی و دریافت تضمین برای توقف حملات را شرط هرگونه توافق پایدار می‌داند. از سوی دیگر، شکاف مهم دیگری نیز میان آمریکا و اسرائیل دیده می‌شود. درحالی که برخی محافل در واشنگتن احیای مسیر دیپلماسی را ضروری می‌دانند، تل‌آویو همچنان بر ادامه فشار نظامی تا تحقق کامل اهداف جنگ اصرار دارد.

پیامدها چیست؟

ادامه این روند می‌تواند، پیامدهایی فراتر از مرزهای ایران و آمریکا داشته باشد. ناامن شدن تنگه هرمز، افزایش قیمت انرژی، گسترش درگیری به کشورهای عربی، تشدید فشار اقتصادی بر ایران، افزایش هزینه‌های نظامی آمریکا و ورود بازیگران جدید به میدان تنها بخشی از آثار احتمالی این بحران است. از منظر سیاسی نیز ادامه جنگ می‌تواند بر فضای داخلی آمریکا در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای همچین بر معادلات امنیتی خاورمیانه تأثیر قابل‌توجهی بگذارد.

چه خواهد شد؟

به نظر می‌رسد هر دو طرف اکنون در نقطه‌ای قرار گرفته‌اند که گزینه‌های راهبردی آنها محدودتر از گذشته شده است. آمریکا برخلاف اهداف اولیه خود نه موفق به نابودی کامل برنامه هسته‌ای ایران شده، نه تغییر حکومت را محقق کرده و نه توانسته بدون همراهی گسترده متحدان، امنیت کامل تنگه هرمز را تضمین کند. در مقابل، ایران نیز اگرچه همچنان ابزارهای فشار منطقه‌ای خود را حفظ کرده اما با هزینه‌های سنگین اقتصادی، نظامی و فرسایشی ادامه جنگ روبه‌روست. به همین دلیل پیشنهاد آتش‌بس ۱۰ روزه بیش از آنکه صرفاً یک وقفه نظامی باشد، تلاشی برای خرید زمان است؛ زمانی که می‌تواند یا مسیر بازگشت به مذاکرات را هموار کند یا در صورت شکست، منطقه را به سوی مرحله‌ای پرهزینه‌تر و غیرقابل پیش‌بینی‌تر از جنگ سوق دهد. اکنون تصمیم تهران و واشنگتن درباره این فرصت کوتاه، می‌تواند مسیر تحولات خاورمیانه در هفته‌ها و ماه‌های آینده را تعیین کند.



استارمر را ناچار به عقب‌نشینی از چندین سیاست کرد. همچنین رسوایی مربوط به پیتر مندلسون تریدها درباره توانایی او در حفظ اقتدار و انسجام درون حزب را افزایش داد.

محبوبیت استارمر نزد افکار عمومی نیز به سرعت کاهش یافت. کمتر از یک سال طول کشید تا حزب کارگر برتری خود را در نظر‌سنجی‌ها از دست بدهد. هرچند او در عرصه بین‌المللی مورد تحسین قرار می‌گرفت، جایگاه داخلی‌اش روزبه‌روز ضعیف‌تر شد. سرانجام عملکرد ضعیف حزب در انتخابات محلی سال ۲۰۲۶ و استعفا‌ی پی‌درپی اعضای کابینه، پایان کار او را رقم زد.

در همین مقطع، برنهام فرصت یافت تا وارد مجلس عوام شود و توانست کرسی حوزه میکرفیلد را به‌دست آورد. تنها چند ساعت پیش از آنکه سوگند نمایندگی یاد کند، استارمر مقابل ساختمان شماره ۱۰ داوونینگ‌استریت ایستاد و استعفا‌ی خود را اعلام کرد؛ پایانی بر ۶ سال رهبری حزب کارگر و دو سال نخست‌وزیری، درحالی که جانشین‌اش راهی لندن شده بود.

خاورمیانه

جانشین شهید السنوار

خلیل الحیه رئیس دفتر سیاسی حماس شد

جنبش مقاومت اسلامی حماس در بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد، خلیل الحیه پس از پایان یک فرآیند انتخاباتی داخلی و از طریق سازوکاری شورایی و سازمانی به‌عنوان رئیس جدید دفتر سیاسی این جنبش انتخاب شده است. در این انتخابات، نمایندگان از عرصه‌ها و مناطق مختلف حضور حماس در نوار غزه، کرانه باختری، زندان‌های رژیم اشغالگر و خارج از فلسطین مشارکت داشتند. حماس انتخاب خلیل الحیه را به وی تبریک گفت و اعلام کرد، او اعتماد اعضا و نهادهای این جنبش را به دست آورده است. این جنبش همچنین از خداوند خواست، خلیل الحیه را در برعهده گرفتن این مسئولیت یاری کند و به تلاش‌های او در مسیر خدمت به ملت و آرمان فلسطین برکت بخشد. حماس در ادامه بیانیه خود با تجلیل از مردم نوار غزه اعلام کرد آنان با جان، جسم، خانه‌ها و امکانات خود در برابر جنگ نسل‌کشی ایستادند، فاجعه و رنج خود را به چراغی برای آزادی‌خواهان تبدیل کردند و بار دیگر معنای پایداری و کرامت را به بشریت آموختند. این جنبش همچنین به مردم قدس و مدافعان مسجدالاقصی که در برابر یهودی‌سازی، تقسیم این مکان مقدس و تعرض شهرک‌نشینان ایستادگی می‌کنند، درود فرستاد. در این بیانیه از مردم کرانه باختری که با شهرک‌سازی، بازداشت، ترور و حملات روزانه رژیم اشغالگر مقابله می‌کنند نیز تجلیل شده است. حماس همچنین پایداری فلسطینیان ساکن سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸ بر هویت و تعلق ملی خود و نقش فلسطینیان ساکن اردوگاه‌ها و کشورهای مختلف در حفظ و دفاع از آرمان فلسطین را ستود. حماس از اسرای فلسطینی در زندان‌های رژیم اشغالگر نیز تقدیر کرد که با وجود محدودیت‌های شدید، در این فرآیند شورایی مشارکت داشتند. این جنبش تأکید کرد، پرونده اسرا و تلاش برای آزادی آنان همچنان در صدر اولویت‌هایش قرار خواهد داشت. حماس تأکید کرد، تکمیل این فرآیند نشان می‌دهد که این جنبش براساس نهادها، اصل شورا، مقررات و آئین‌نامه‌های داخلی خود اداره می‌شود و حتی در سخت‌ترین شرایط نیز از سازوکارهای سازمانی خود فاصله نمی‌گیرد.





سال نهم شماره ۲۲۸۴
سه‌شنبه ۳۰ تیر ۱۴۰۵

گزارش فرهنگی

نظریه‌پرداز جامعهٔ کوتاه مدت

همایون کاتوزیان به عضویت انجمن سلطنتی تاریخ بریتانیا برگزیده شد



دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان، پژوهش‌گر و مورخ سرشناس ایرانی، با رأی شورای انجمن سلطنتی تاریخ به عنوان همکار انجمن سلطنتی تاریخ بریتانیا برگزیده شد. این عضویت به پاس سال‌ها تلاش و نقش برجستهٔ او در پژوهش‌های تاریخی، به‌ویژه در حوزهٔ تاریخ ایران و مطالعات اجتماعی-سیاسی خاورمیانه اعطا شده است.

بر اساس نامهٔ رسمی این انجمن که خطاب به کاتوزیان صادر شده است، او اکنون حق رأی در انتخابات شورای انجمن، نامزدی برای عضویت در شورا و همکاری در هیأت‌های تحریریه نشریات این نهاد را دارد. هم‌چنین مجاز به استفاده از پسوند FRHistS (مخفف Fellow of the Royal Historical Society) به معنای همکار انجمن سلطنتی تاریخ بریتانیا پس از نام خود خواهد بود.

انجمن سلطنتی تاریخ (RHS) که مخفف عبارت «Royal Historical Society» است، سال ۱۸۶۸ تأسیس شد و یکی از قدیمی‌ترین و معتبرترین نهادهای تاریخی در جهان به شمار می‌رود؛ امروزه، RHS برجسته‌ترین انجمن بریتانیاست که برای مورخان و تاریخ‌فعالیت می‌کند. در سال ۲۰۲۶ بیش از ۷ هزار مورخ به عنوان عضو و همکار فعال در بریتانیا و سراسر جهان به این انجمن تعلق دارند و به آن کمک مالی می‌کنند. این امر RHS را به بزرگترین سازمان عضویت در بریتانیا برای مورخان از هر نوع و از هر قشری تبدیل می‌کند. این انجمن از اعضای جدید خواسته است تا دیدگاه‌های خود را دربارهٔ مسائل مهم تاریخی با این انجمن در میان بگذارند.

سبب‌شناسی جامعهٔ کلنگی

محمدعلی همایون کاتوزیان، معروف به هما کاتوزیان، متولد ۲۶ آبان ۱۳۲۱ در تهران است. دیلم خود را در دبیرستان «البرز» گرفت. یک سال در دانشگاه تهران درس خواند سپس برای تحصیل در رشته اقتصاد راهی انگلیس شد. در سال ۱۳۴۶ از دانشگاه بیرمنگام لیسانس، در ۱۳۴۷ از دانشگاه لندن فوق لیسانس و در ۱۳۶۳ از دانشگاه کاتربری دکتری گرفت و از ۱۳۴۷ تا ۱۳۶۵ در انگلیس، ایران، کانادا و آمریکا استاد اقتصاد بوده است. او سال‌هاست پژوهشگر در کالج سنت آنتونی و عضو هیات علمی موسسه شرق‌شناسی دانشگاه آکسفورد است. کاتوزیان در زمینه اقتصاد، تاریخ، علوم سیاسی و نقد ادبی تألیفات و پژوهش‌های متعددی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به «دولت و جامعه در ایران؛ انقراض قاجار و استقرار پهلوی»، «اقتصاد سیاسی ایران؛ از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی»، «ایران جامعهٔ کوتاه مدت» و «ایرانیان؛ دوران باستان تا دوره معاصر»، اشاره کرد. کاتوزیان از همان سال‌های جوانی جذب «جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی ایران» یا همان «جریان نیروی سوم» به رهبری خلیل ملکی شد و به گفتهٔ خودش ملکی تأثیر بسیاری بر روی او داشت و به همین خاطر در کتاب‌هایی «خلیل ملکی؛ سیمای انسانی سوسیالیسم ایرانی» «خاطرات سیاسی خلیل ملکی» و «نامه‌های خلیل ملکی» سعی در معرفی بیشتر او و افکارش داشته است.

کاتوزیان در مقالهٔ «ایران: جامعه کوتاه مدت»، برای نخستین بار نظر به‌ای با نام «جامعهٔ کلنگی» را مطرح کرد. او در این مقاله و بعدها در مصاحبه‌های مختلف، جامعهٔ ایران را در مقایسه با جوامع غربی، جامعه‌ای کوتاه‌مدت می‌داند؛ کوتاه‌مدت به این معنا که در کشور ایران از قرن‌ها پیش تاکنون، هیچ‌گاه شاهد تداوم و پایداری نبوده‌ایم؛ تا حدی که مردم برای طرح‌ریزی برنامه‌های زندگی خود، همواره به فاصله‌های زمانی اندک فکر می‌کنند و برای برنامه‌ریزی‌های طولانی‌مدت، آمیدی به ثبات در کشور ندارند. کاتوزیان برای به وجود آمدن مشکلات مختلف در جامعهٔ ایران و بروز بحران‌های سیاسی متعدد، چند علت مهم را برمی‌شمارد. او بی‌ثباتی سیاسی در تاریخ چند صدسالهٔ ایران و ریشه دواندن استبداد در فرهنگ سیاسی کشور را نخستین دلیل این مشکل می‌داند. دومین علت را جدایی جامعه از سیاست و حکومت، یا همان تضاد میان دولت و ملت در ایران، می‌داند. او هم‌چنین عقیده دارد که حکومت در ایران تقریباً همواره از چارچوب قانون خارج بوده است. به عقیدهٔ کاتوزیان «تئوری توطئه» دیگر معضل بزرگی است که سبب عقب‌افتادگی کشور شده است.



Working for history
and historians

کافه

تازه‌های ادب و هنر و ورزش



پادشاهی ماتادورها

امید ذاکری‌نیا

گروه فرهنگ



پیروزی اسپانیا برابر آرژانتین در فینال جام جهانی ۲۰۲۶ فراتر از فوتبال، بیانگر این حقیقت بود که فوتبال نیز مانند تمام پدیده‌های مهم اجتماعی پا به عصر تازه‌ای گذاشته است. عصری که در آن، دیگر این تک‌ستاره‌ها و خلافت فردی افراد خاص نیست که سرنوشت قهرمان را مشخص می‌کند، بلکه این سیستم و ساختار است که توان پیروزی دارد. آمار و ارقام و نمایش اسپانیا در این دوره از جام جهانی به‌گونه‌ای بود که حتی خود آرژانتینی‌ها هم متقاعد شدند بهترین تیم تورنمنت، جام قهرمانی را بالای سر برد.

قهرمانی ساختار

اگر قرار بود وزن ستاره‌ها قهرمان را مشخص کند، احتمالاً اسپانیا در جمع چهار تیم پایانی هم حضور نداشت اما لاروخا، با اتکا به ساختار تیمی و سیستم قدرتمند بازی، تمام حریفان‌شان را خرد کرده و در این مسیر به ستاره بزرگی مانند لیونل مسی هم رحم نکردند. یک‌شنبه‌شب فوق‌ستاره فوتبال جهان، یکی از بدترین شب‌هایش در زمین چمن فوتبال را سپری کرد. او عملاً به‌تهایی کاری نمی‌توانست در برابر تیمی که تمام بازیکنانش در یک سطح و مانند چرخ‌نده‌های یک ساعت، دقیق عمل می‌کردند، کار خاصی بکند. اسپانیا در فینال، تمام ابعاد فوتبال را به نمایش گذاشت؛ از بازی روان

ویژه جام جهانی ۲۰۲۶

لحظه‌های فراموش‌نشدنی

جام جهانی ۲۰۲۶ همه‌چیز داشت؛ از اتفاقات زیبا و الهام‌بخش گرفته تا حاشیه‌ها و جنجال‌های فراوان. بزرگ‌ترین رویداد فوتبال جهان در حالی برگزار شد که از همان ابتدا با مسائل بحث‌برانگیزی مانند مشکلات صدور ویزا، قیمت‌های سرسام‌آور بلیت، تصمیم‌های جنجالی داوران و حتی دخالت‌های لفظی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، همراه بود. در کنار این مسائل، وقفه‌های اجباری برای نوشیدن آب به دلیل گرمای شدید، تأخیر مسابقات بر اثر شرایط نامساعد جوی و رفتار برخی هواداران نیز از دیگر حاشیه‌های این رقابت‌ها بودند. با این‌حال، آنچه بیش از همه در ذهن هواداران باقی خواهد ماند، لحظه‌های انسانی و احساسی این ۶ هفته فوتبال در آمریکا، کانادا و مکزیک است.

دیدار احساسی با مادر

دروازبان ۴۰ ساله تیم ملی کی‌پورد، وزینیا (ژوزیمار دیاس)، یکی از چهره‌های غافلگیرکننده جام جهانی بود. او با واکنش‌های درخشان خود مقابل اسپانیا، قهرمان آینده مسابقات، بارها مانع گلزنی حریف شد و به شهرتی جهانی رسید. اما داستان او زمانی احساسی‌تر شد که مشخص شد مادرش به دلیل هزینه بالای دریافت ویزای آمریکا قادر به سفر نیست. انتشار این خبر بازتاب گسترده‌ای داشت و در نهایت مقام‌های آمریکایی هزینه‌های سفر او را بخشیدند و امکان حضورش در ورزشگاه برای تماشای بازی بعدی پسرش را فراهم کردند.

و چشم‌نواز گرفته تا نبردی فرسایشی و طاقت‌فرسا. اما در نهایت، همان‌جایی ایستاد که آرزو و البته شایستگی‌اش را داشت؛ بر فراز فوتبال جهان، با جام قهرمانی در دستانش. درواقع این برد تأییدی دوباره بر موفقیت ساختار و تفکر سیستماتیک بر خلافت‌های فردی بود. روبرتز در گزارشی در ارتباط با قهرمانی اسپانیا نوشت: «این نمایشی از سلطه و نه لزوماً نابودی کامل حریف بود. اسپانیا برای رسیدن به جام، مجبور شد سخت بجنگد و همچنان ضعف قدیمی خود، یعنی نداشتن یک مهاجم نوک تمام‌کننده کلاسیک، را نشان داد. این اتفاق بیش از هر نمودار تاکتیکی، شخصیت تیم دلا فوئنته را نشان می‌داد؛ تیمی که بر ستاره‌های فردی متکی نیست، بلکه همچون ارکستری هماهنگ عمل می‌کند؛ جایی‌که حتی نوازندگان دیررس نیز ملودی را به‌خوبی می‌شناسند».

تیم علیه ابرستاره‌ها

آنچه دربارۀ قهرمانی اسپانیا قابل ذکر است، اینکه گل قهرمانی این تیم به‌نوعی از روی نیمکت آغاز شد. نیکو ویلیامز و فران تورس که به‌عنوان بازیکن تعویضی به زمین آمده بودند، پایه‌گذار گل پیروزی شدند. نکته جالب اینجاست که این برای سومین‌بار بود که در مرحله حذفی این دوره جام جهانی بازیکن تعویضی گل سرنوشت‌ساز اسپانیا را به‌شمر می‌رساند. این خود بیانگر این حقیقت است که اسپانیا تیمی یکدست و کاملاً غیروابسته به تک‌ستاره‌هاست. آمار نیز تکمیل‌کننده است، وقتی می‌بینیم که اسپانیا در فینال بیش از ۶۵درصد مالکیت توپ را در اختیار داشته، ۱۲ شوت در چارچوب زد

برادر لامین یامال

اگرچه لامین یامال با قهرمانی جهان افتخار بزرگی به‌دست آورد، اما برای بسیاری از هواداران، ستاره واقعی مسابقات برادر سه‌ساله او، کین، بود. کین پس از هر مسابقه با شور و شوق به زمین می‌دوید، خود را به آغوش برادرش می‌رساند و سپس بی‌خبر از دوربین‌ها در زمین بازی می‌دوید؛ صحنه‌هایی که بارها روی نمایشگرهای ورزشگاه پخش شد و او را به یکی از محبوب‌ترین چهره‌های جام جهانی تبدیل کرد. در دیدار فینال و پس از قهرمانی اسپانیا او در جشن این تیم در کنار لامین یامال حضور پیدا کرد.

همدلی با کودک ازبکستانی

پس از شکست ۳ بر یک ازبکستان مقابل کلمبیا، پسر بچه‌ای هوادار ازبکستان با در آغوش گرفتن ماکت جام جهانی اشک می‌ریخت. هواداران کلمبیا که اطراف او بودند، برای دل‌داری‌اش شروع به تشویق «ازبکستان، ازبکستان» کردند؛ اقدامی که به سرعت در فضای مجازی فراگیر شد. بازیکنان تیم ملی ازبکستان نیز این کودک، «اسفندیار بگماتوف»، را به تمرین تیم دعوت کردند و بسا اهدای پیراهن امضاشده، عروسک گرگ و هدایای دیگر، خاطره تلخ شکست را برای او به تجربه‌ای فراموش‌نشدنی تبدیل کردند.



ترکیب فوتبال و سرگرمی

فینال جام جهانی ۲۰۲۶ شاهد اتفاقی بی‌سابقه بود؛ فیفا برای نخستین‌بار مراسمی مشابه ششوی بین دو نیمه سوپربرول برگزار کرد. این تصمیم اگرچه از سوی برخی مورد استقبال قرار گرفت، اما گروهی دیگر معتقد بودند چنین اقدامی هویت سنتی فوتبال را تغییر داده و نشانه‌ای از تجاری‌تر شدن این ورزش است. در کنار آن، قیمت بسیار بالای بلیت‌ها، هزینه‌های سفر و اقامت نیز اعتراض بسیاری از هواداران را برپا داشت و جام جهانی ۲۰۲۶ را به یکی از گران‌ترین دوره‌های تاریخ برای تماشاگران تبدیل کرد.



فوتبال سیاسی

خارج از مستطیل سبز، سیاست بار دیگر در مرکز توجه قرار گرفت. محدودیت‌های صدور ویزا به یکی از بزرگ‌ترین جنجال‌های مسابقات تبدیل شد. بسیاری از هواداران، به‌ویژه از کشورهای آفریقایی، حوزه کارائیب و آسیا، با وجود در اختیار داشتن بلیت مسابقات، موفق به ورود به آمریکا نشدند. سخت‌ترین شرایط را آمریکای میزبان برای تیم ملی ایران رقم زد، به‌طوری‌که تیم ملی مجبور شد در تیخوانا مکزیک اردو بزند و برای بازی با وجود مشکلات و چالش‌های عبور و مرور از مرز به آمریکا برود و برگردد.



آخرین فصل ابرستاره

برای آرژانتین، شکست در فینال احتمالاً پایان ماجراجویی لیونل مسی در جام جهانی بود.

کاپیتان ۳۹ساله آلبی‌سلسته بار دیگر تیمش را به دیدار نهایی رساند و یکی دیگر از فصل‌های درخشان دوران حرفه‌ای خود را رقم زد.

در سوی دیگر، کیلیان امپایه با به‌شمر رساندن ۱۰ گل، کفش طلای مسابقات را به‌دست آورد و جایگاه خود را به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین ستاره‌های فوتبال جهان تثبیت کرد.

گزارش: سینمای جهان

صدای «خانه سبز»

به بهانه سالروز درگذشت خسرو ایران



فرزانه متین

روزنامه‌نگار

تلویزیون ایران روزگاری تنها یک رسانه نبود؛ کارخانه‌ای برای خلق خاطره بود. کافی است نام «خانه سبز» یا «روزی روزگاری» به میان بیاید تا هنوز هم نسل‌های مختلف، دیالوگ‌ها، موسیقی و شخصیت‌های آن را به یاد بیاورند. بخش مهمی از این ماندگاری، مدیون بازیگرانی بود که با تمام اعتبار سینمایی و هنری خود در قاب تلویزیون حضور پیدا می‌کردند.

در سال‌هایی که علی لاریجانی، ریاست سازمان صداوسیما را برعهده داشت، تلویزیون از حضور چهره‌های بزرگ هنر ایران بهره می‌برد. خسرو شکیبایی نمونه بارز این رویکرد بود؛ بازیگری که با حضور در «خانه سبز» شخصیتی خلق کرد که هنوز برای بسیاری از مخاطبان نماد مهریانی، گفت‌وگو و امید است. او پیش از آن نیز در «روزی روزگاری» با بازی در نقش مرادیگ، یکی از ماندگارترین شخصیت‌های تاریخ تلویزیون ایران را آفرید؛ شخصیتی که هنوز پس از گذشت سال‌ها در حافظه جمعی مردم زنده است. آن دوره، تلویزیون نه از حضور ستاره‌ها هراس داشت و نه میان سینما و تلویزیون دیوار می‌کشید. کارگردانان صاحب‌نام، نویسندگان خلاق و بازیگران مطرح در کنار یکدیگر آثاری تولید می‌کردند که علاوه بر سرگرمی، حامل پیام‌های اخلاقی، اجتماعی و انسانی بودند. مخاطب با شخصیت‌های سریال‌ها زندگی می‌کرد و بسیاری از دیالوگ‌ها و صحنه‌ها به بخشی از فرهنگ عمومی تبدیل می‌شد. اما امروز، در دوره ریاست پیمان جلیلی، تلویزیون بیش از هر زمان دیگری با بحران مخاطب مواجه است. بخش عمده‌ای از سریال‌های تولیدی نه ستاره‌ای دارند که بیننده را پای تلویزیون بنشاند، نه فیلم‌نامه‌ای که او را تا قسمت آخر همراه کند و نه کیفیت فنی‌ای که بتواند با استانداردهای امروز رقابت کند. شخصیت‌ها اغلب سطحی و فراموش‌شدنی هستند، روایت‌ها تکراری است و بسیاری از آثار، پس از پایان پخش، هیچ ردپایی در ذهن مخاطب باقی نمی‌گذارند. مشکل فقط نبود بازیگران مشهور نیست؛ مسئله این است که تلویزیون دیگر توان

«ستاره‌سازی» را نیز از دست داده است.

روزگاری صداوسیما هنرمندانی را به مردم معرفی می‌کرد که بعدها به چهره‌های ماندگار فرهنگ ایران تبدیل شدند، اما امروز کمتر شخصیتی از دل سریال‌های تلویزیونی بیرون می‌آید که بتوان تصور کرد سال‌ها بعد نیز از او یاد شود. مقایسه دو دوره، بیش از آنکه مقایسه دو مدیر باشد، مقایسه دو نگاه به رسانه است؛ نگاهی که زمانی کیفیت، فیلم‌نامه، بازیگری و احترام به شعور مخاطب را سرمایه تلویزیون می‌دانست و نگاهی که به

اعتقاد بسیاری از منتقدان، حاصل آن کاهش مخاطب، افت کیفیت و فاصله گرفتن مردم از رسانه‌ای است که زمانی مهم‌ترین مرجع سرگرمی و فرهنگ خانواده‌های ایرانی بود.

اوج سریال‌سازی در زمان ریاست شهید علی لاریجانی، ساخت «خانه سبز»، کار مشترک بیژن بیرنگ و مسعود رسام است، یکی از معدود سریال‌هایی که در دهه ۷۰ برای بسیاری از مخاطبان، تماشای آن یادآور یک خانه گرم و دلنشین با حضور بازیگر مورد علاقه‌شان، زنده‌یاد خسرو شکیبایی بود؛ به دور از هرگونه دل‌مشغولی و دغدغه ذهنی؛ خانه‌ای که طرفداران بسیاری را جذب خود کرده بود و با یک مونولوگ بلند آغاز می‌شد.

ما تیتراژ سریال را با صدای جذاب مرحوم خسرو شکیبایی می‌شنیدیم که درباره عنوان سریال، یعنی «خانه سبز»، توضیح می‌داد: «به‌منظر من به خونه هر جایی می‌تونه باشه، می‌تونه بالایی به ساختمان بلند باشه، می‌تونه توی یه کوچه قدیمی که زیر به

بازارچست باشه، می‌تونه بزرگ یا می‌تونه کوچیک باشه. می‌تونه برای هر کس مفهومی داشته باشه یا هر رنگی داشته باشه، می‌تونه به رنگ آجر یا به رنگ شیشه و سنگ باشه.

می‌تونه رنگ قرمز یا... ولی من، یعنی بهتره بگم ما، معتقدیم خونه هر چی که باشه باید سبز باشه. بله، سبز و همیشه سبز». جملات دلنشین او هر هفته تکرار می‌شد و به همین خاطر در ذهن مردم می‌نشست. این سریال پربیننده از مجموعه برنامه‌های تلویزیونی بود که در ۲۱ قسمت، چهارشنبه‌ها از شبکه دو پخش می‌شد. در روزگاری که

صداوسیما نزد مردم ارج و قرب داشت و با پخش سریال‌هایش خیابان‌ها خلوت می‌شد، بهتر است از همان زمان صحبت کنیم؛ از سریالی که حرف‌های بسیاری برای گفتن داشت، نه اینکه صرفاً کنذاکتور را پر کند. موفقیت این سریال بیش از هر چیز مدیون

بازی خسرو شکیبایی در نقش «رضا صباچی»، وکیل دادگستری، شخصیت اصلی و راوی داستان بود. ۳۰ سال از آن روزها گذشته و جامعه هنری سال‌هاست از حضور گرم خسرو شکیبایی محروم شده است. او که با «حمید هامون» بسیاری از علاقه‌مندان

سینما را شیفته خود کرده بود، بعد از سریال «روزی روزگاری»، در «خانه سبز» نیز با دیالوگ‌های ماندگارش در ذهن و جان مخاطب نشست. او با صدای گرم، خش‌دار و پر

احساسش، دیالوگ‌ها را به‌گونه‌ای بیان می‌کرد که حتی جملات ساده هم حالتی شاعرانه پیدا می‌کردند و هرگز به سراسر بازی‌های اغراق‌آمیز و گل‌درشت نمی‌رفت. علاقه او به شعر و دکلمه باعث شده بود بازی و حتی شخصیت‌اش به‌گونه‌ای متفکر، انسانی و

احساسی در مدیوم تصویر، مقابل چشم بینندگان جان بگیرد.

رضا صباچی با شخصیت‌پردازی دقیق و ملموس، به‌خوبی دغدغه‌های واقعی زندگی

را در «خانه سبز» به نمایش می‌گذاشت. لحن گفتار و مک‌هایش به بازی او رنگ و بو می‌داد و کاملاً مشخص بود که سایر بازیگران نیز از انرژی مضاعف او انرژی می‌گرفتند. او

شخصیتی را خلق کرد که با وجود شغل وکالت، بیشتر شبیه یک نویسنده یا فیلسوف زندگی بود. رضا نصیحت نمی‌کرد؛ حرف‌هایش را با لبخند، شوخی و آرامش می‌زد. به همین دلیل

دیالوگ‌هایش هنوز هم در ذهن مخاطبان مانداند: «رئیس باش، ولی ریاست نکن». یا این دیالوگ که: «ببین... دلخوری، باش... عصبانی هستی، باش... قهری، باش... هر چی می‌خواهی باشی، باش... ولی حق نداری با من حرف بزنی... فهمیدی؟» خسرو شکیبایی

راوی قصه‌های مجموعه «خانه سبز» بود. او صرفاً قصه تعریف نمی‌کرد، بلکه نظرش را درباره اتفاقات هم می‌گفت. مثلاً در لایه‌ای سکانس‌ها می‌گفت: «ایک خانه سبز هم دچار

مشکلات می‌شه، ولی این مشکلات اون‌قدر عمیق نیستن که بتونن دووم بیزان».

به‌یاد مرحوم خسرو شکیبایی که در ۶۴ سالگی در ۲۸ تیر ۱۳۸۷ اهلالی سینما را تنها گذاشت اما با یادگارش در «خانه سبز» نشان داد در آن روزها مردم چقدر این تلویزیون را دوست داشتند.



درس‌هایی از قهرمانی اسپانیا

اسپانیا بهترین تیم مسابقات بود؛ تیمی که تنها یک گل در کل تورنمنت دریافت کرد و با تکیه بر یک سیستم، یک فلسفه و وفاداری به هویت فوتبالی خود به قهرمانی رسید. این قهرمانی، پاداش اعتماد متقابل میان بازیکنان و سرمربی‌شان بود؛ اعتمادی که حتی زمانی که دیگران به آنها باور نداشتند، از بین نرفت و حالا شاید بهتر بتوان درک کرد چرا فوتبال ایران در این دوره جام جهانی و ادوار گذشته و حتی رقابت‌های متفاوت کمتر به موفقیت نزدیک می‌شود.

فوتبال ایران نه در بخش فنی لزوماً، که از رأس مدیریتی آن، نه یک تیم و یک ساختار، که یک سیستم سنتی متکی به فرد است. حالا در نقطه مقابل اسپانیا، فوتبال بی‌نظم، بازیکن‌سالاری و فردمحور ایران قرار دارد. درواقع نوعی ساختارگریزی در فوتبال ایران وجود دارد که حتی اجازه نمی‌دهد که در این رابطه فکر شود. در دورانی که کارلوس کی‌روش برای هدایت تیم ملی به ایران آمد، طرح اولیه این بود که او معمار فوتبال نوین ایران باشد اما این اتفاق نیفتاد. ساختار فوتبال ایران به‌گونه‌ای بود که در نهایت کی‌روش نه‌تنها نتوانست ساختار جدیدی برایش طرح‌ریزی کند که

شرایط دشوار تیم ملی ایران

در جریان مسابقات و همزمان با حمله نظامی آمریکا به ایران، تیم ملی ایران نیز با مشکلات متعددی مواجه شد. حدود ۱۵ مربی، مدیر و مقام رسمی فوتبال ایران موفق به دریافت ویزا نشدند و بسیاری از خبرنگاران و هواداران نیز از سفر بازماندند. به همین دلیل، تیم ملی ایران با وجود برگزاری مسابقاتش در آمریکا، ناچار شد اردوگاه خود را در شهر تیخوانای مکزیک برپا کند و برای هر مسابقه در آخرین لحظات به لس‌آنجلس یا سیاتل سفر کند؛ موضوعی که به اعتقاد منتقدان بر عملکرد تیم تأثیر گذاشت و تیم ملی ایران با اختلافی اندک از صعود به مرحله حذفی بازماند. فیفا نیز مسئولیت این موضوع را متوجه دولت میزبان دانست و البته آمریکا هم مسئولیتی نپذیرفت. با این حال، تیم ملی ایران شرایط دشواری را سپری کرد.

اردکی که به نماد جام جهانی تبدیل شد

اردک خانگی‌ای به‌نام مرلین که پیراهن تیم ملی مکزیک را بر تن داشت، به یکی از غیرمنتظره‌ترین ستاره‌های جام جهانی تبدیل شد. تصاویر او در ورزشگاه‌ها به سرعت محبوب شد و حتی کلودیا شینیناوم، رئیس‌جمهور مکزیک، با این اردک دیدار کرد. عروسک‌های مرلین در میان هواداران محبوب شدند و یکی از هواداران مکزیک، پس از شکست تیمش برابر انگلیس، عروسک مرلین خود را به یک کودک انگلیسی هدیه داد؛ صحنه‌ای که نمادی از احترام و دوستی میان هواداران فوتبال بود.

کنسرت برای جود بلینگهام

هواداران انگلیس پس از هر مسابقه، ترانه مشهور هسی جود از گروه بیتلز را برای جود بلینگهام می‌خواندند. بلینگهام با هفت گل، بهترین گلزن تاریخ انگلیس در یک جام جهانی شد و پس از کیلیان امباپه و لیونل مسی، سومین گلزن برتر مسابقات لقب گرفت.



شگفتی‌سازان

یکی از داستان‌های جذاب این دوره، عملکرد تاریخی کیپ‌ورد بود که با صعود به مرحله حذفی، تحسین فوتبال‌دوستان را برانگیخت. مراکش نیز با رسیدن دوباره به مرحله یک‌چهارم نهایی، نشان داد موفقیت تاریخی‌اش در جام جهانی ۲۰۲۲ اتفاقی نبوده و فوتبال آفریقا بیش از گذشته در سطح اول جهان قدرت‌نمایی می‌کند. در این میان، نروژ با حذف برزیل پنج‌قهرمان جهان، یکی از بزرگ‌ترین شگفتی‌های مسابقات را رقم زد و آلمان نیز پس از شکست برابر پاراگوئه در ضربات پنالتی، خیلی‌زود از رقابت‌ها کنار رفت.

جنجال‌های داوری و تبعیض

این جام جهانی بدون حاشیه نیز نبود؛ تصمیم‌های متعدد و بحث‌برانگیز وی‌آر‌آ و اکشن‌های فراوانی به‌دنبال داشت و گزارش‌هایی درباره توهین‌های نژادپرستانه علیه برخی بازیکنان، نگرانی‌ها درباره تبعیض در فوتبال را دوباره افزایش داد. با وجود این حواشی، ورزشگاه‌های آمریکای شمالی در طول مسابقات، شاهد حضور بی‌سابقه تماشاگران بودند و جام جهانی ۲۰۲۶ بار دیگر محبوبیت روزافزون فوتبال در سراسر جهان را به‌نمایش گذاشت.



اشک‌های دیک ادوکات

دیک ادوکات، سرمربی ۷۸ساله کوراسائو، پیش از نخستین مسابقه تاریخ این کشور در جام جهانی مقابل آلمان، هنگام پخش سرود ملی اشک ریخت. هرچند تیمش با نتیجه ۷ بر یک شکست خورد، اما همان مسابقه نیز برای مردم این جزیره کوچک تاریخی بود؛ زیرا کوراسائو به کوچک‌ترین کشوری تبدیل شد که تاکنون به جام جهانی راه یافته و با گل لیوان کومننشیا نخستین گل تاریخ خود در این رقابت‌ها را نیز به‌ثمر رساند. ادوکات که مسن‌ترین سرمربی تاریخ جام جهانی محسوب می‌شود، پس از مسابقه گفت: «در این سن و با شخصیت من، احساسات خیلی راحت بروز می‌کنند. اینکه می‌بینم تا چه اندازه پیشرفت کرده‌ام، واقعاً تجربه‌ای فوق‌العاده است».



تبدیل پلیور به پیراهن ملی

پسر بچه‌ای مکزیک‌ای به‌نام سانتی، زمانی که مدرسه از دانش‌آموزان خواست برای حمایت از تیم ملی لباس سبز، سفید و قرمز بپوشند، چون پیراهن تیم ملی نداشت، یک پلیور کریسمسی با همین رنگ‌ها پوشید.

تصاویر او در فضای مجازی دست‌به‌دست شد و در نهایت سانتیاگو خیمنز، مهاجم تیم ملی مکزیک، پیراهنی با نام «سانتی» برای او فرستاد و پیامی ویدئویی نیز برای این هوادار کوچک ضبط کرد.

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

نتیجه تیول‌داری

بنگاه‌ها چگونه به گوشت قربانی مدیران تبدیل شدند؟

فریده اسکندری
گروه اقتصاد

یک خبر مهم هفته گذشته زیر سایه انبوه اخبار سیاسی و امنیتی گم شد. خبری که شاید در نگاه نخست صرفاً از جنس اعتراض به‌نظر برسد اما در واقع نشانه‌ای از بحرانی عمیق‌تر در اقتصاد و حکمرانی ایران است. کارگران شرکت صنایع چوب و کاغذ ایران (چوکا) در اقدامی کم‌سابقه، مدیرعامل خود را از کارخانه اخراج کردند. اندکی بعد، هیأت‌مدیره نیز پس از بررسی اسناد و تخلفات منتسب به او، حکم برکناری‌اش را صادر کرد. گفته می‌شود، انتشار اسنادی درباره ثبت ۱۴۰ ساعت اضافه‌کاری برای مدیرعامل و دریافت حقوق و مزایای قابل‌توجه، در حالی که کارگران ماه‌ها حقوق نگرفته بودند، جرقه این اعتراض را زده است. این اتفاق را نباید صرفاً یک اختلاف کارگری تلقی کرد. ماجرای چوکا، سه لایه مهم دارد. یک لایه اقتصادی، یک لایه امنیتی و مهم‌تر از همه، یک لایه حکمرانی هم دارد. از منظر اقتصادی، چوکا تنها یک نمونه از ده‌ها و شاید صدها پنگاهی است که در سال‌های اخیر زیر فشار رکود، کمبود نقدینگی، فرسودگی تجهیزات، محدودیت‌های تجاری و نااطمینانی اقتصادی، توان ادامه فعالیت خود را از دست داده‌اند. بسیاری از شرکت‌های بزرگ صنعتی کشور، امروز با ظرفیتی کمتر از توان واقعی خود تولید می‌کنند و حتی تأمین سرمایه در گردش نیز برای آنها به چالشی جدی تبدیل شده است. در چنین شرایطی، تأخیر در پرداخت حقوق کارگران دیگر یک استثنا نیست بلکه به بخشی از واقعیت اقتصاد ایران تبدیل شده است. اما آنچه ماجرای چوکا را متفاوت می‌کند، شکاف عمیق میان وضعیت مدیران و کارکنان است. هنگامی که کارگران ماه‌ها برای دریافت حقوق خود انتظار می‌کشند، انتشار خبر حقوق‌های بالا، اضافه‌کاری‌های غیرمعارف یا مزایای ویژه مدیران صرفاً یک تخلف مالی تلقی نمی‌شود؛ بلکه احساس بی‌عدالتی را به اوج می‌رساند. در چنین فضایی، حتی اگر رقم پرداختی به مدیر از نظر قانونی قابل دفاع باشد، از منظر اجتماعی به بحرانی جدی تبدیل می‌شود. چنانکه درباره مدیرعامل چوکا چنین اتفاقی رخ داد. از منظر امنیتی نیز این اتفاق را نباید دست کم گرفت. اعتراض کارگران چوکا در نهایت بدون خشونت و با تغییر مدیرعامل پایان یافت اما این تجربه می‌تواند به الگویی برای سایر پنگاه‌های بحران‌زده تبدیل شود. اگر شرکت‌های بیشتری به دلیل کمبود منابع، ناتوانی در پرداخت دستمزد و ضعف مدیریتی با چنین وضعیتی روبه‌رو شوند، احتمال گسترش اعتراض‌های مشابه نیز افزایش خواهد یافت. در شرایطی که اقتصاد کشور تحت فشارهای متعدد قرار دارد هر بنگاه بزرگ صنعتی می‌تواند به کانونی برای نارضایتی اجتماعی تبدیل شود. با این حال مهم‌ترین وجه این ماجرا، حکمرانی پنگاه‌هاست. پرسش اصلی این نیست که چرا یک مدیرعامل، حقوق بالایی دریافت کرده بلکه این است که چگونه سازوکارهای نظارتی اجازه داده‌اند، مدیری در شرکتی که تسوان پرداخت حقوق کارگران خود را ندارد همچنان از مزایا و امتیازات ویژه برخوردار باشد؟ هیأت‌مدیره، سهامداران، نهادهای ناظر و دستگاه‌های مسئول تا پیش از اعتراض کارگران کجا بودند؟ چرا سازوکارهای رسمی پیش از آنکه بحران به کف کارخانه برسد، وارد عمل نشدند؟ تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد، پنگاه‌های اقتصادی تنها زمانی می‌توانند پایدار بمانند که میان عملکرد مدیران و منافع ذی‌نفعان، رابطه‌ای شفاف برقرار باشد. مدیری که شرکت را زیان‌ده می‌کند، نمی‌تواند همزمان از پاداش و مزایای نجومی برخوردار باشد. نظام‌های حاکمیت شرکتی دقیقاً برای جلوگیری از چنین تعارض‌هایی شکل گرفته‌اند؛ نظامی که در آن هیأت‌مدیره مستقل، حسابرسی شفاف، افشای اطلاعات و پاسخگویی مدیران، مانع از شکل‌گیری فاصله میان منافع مدیران و کارکنان می‌شود. ماجرای چوکا درباره نوعی الگوی مدیریت است که در آن هزینه ناکارآمدی را کارگران، سهامداران و در نهایت اقتصاد کشورها می‌پردازند اما مدیرانی که در سیستم تبسول‌داری پرورش یافته‌اند، به‌ره خود را می‌برند. اگر این الگو اصلاح نشود، پنگاه‌های بحران‌زده یکی پس از دیگری به گوشت قربانی مدیرانی تبدیل خواهند شد که در سخت‌ترین شرایط اقتصادی نیز منافع شخصی خود را بر بقای بنگاه ترجیح می‌دهند. شاید برکناری مدیرعامل چوکا بتواند، بخشی از خشم کارگران را فروشنشاند و پرداخت مطالبات معوق، آرامش را به کارخانه بازگرداند. اما اگر این اتفاق تنها به تغییر یک مدیر محدود شود و به اصلاح نظام انتصاب، نظارت و پاسخگویی مدیران منجر نشود، دیر یا زود همین داستان در کارخانه‌ای دیگر تکرار خواهد شد. مسئله اصلی امروز اقتصاد ایران، مسئله، کیفیت حکمرانی بر بنگاه‌هایی است که قرار اسبت، موتور تولید و اشتغال کشور باشند اما گاه خود به قربانی مدیریت ناکارآمد تبدیل می‌شوند.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

ریسک گلوگاه

کنترل یک تنگه چگونه اقتصاد جهان را تغییر می‌دهد؟

سعید مشهوری
گروه اقتصاد

در تابستان ۲۰۲۲ با آغاز جنگ روسیه و اوکراین، جهان ناگهان با پریشی روبه‌رو شد که بیشتر در کتاب‌های تاریخ و جغرافیای سیاسی مطرح می‌شد. اینکه اگر کشوری مسیر عبور کشتی‌ها را ببندد چه بر سر اقتصاد جهان می‌آید؟ در همان روزها، میلیون‌ها تن غله اوکراین در بنادر دریای سیاه محبوس مانده بود و بازارهای جهانی با افزایش قیمت گندم، ذرت و روغن آفتابگردان مواجه شدند. چند سال قبل‌تر نیز تنها ۶ روز بسته شدن کانال سوئز بر اثر به کل نشستن کشتی «اورگیسون» زنجیره تأمین جهانی را مختل کرد و میلیاردها دلار خسارت به تجارت بین‌الملل وارد آورد. این دو رویداد و بعدها آنچه در تنگه هرمز رخ داد یک حقیقت قدیمی را دوباره یادآوری کردند. اینکه سرنوشت اقتصاد جهان گاهی در باریکه‌ای از آب رقم می‌خورد.

۹۰ سال پیش در چنین روزی یعنی ۲۰ ژوئیه ۱۹۳۶ کنوانسیون مونترو به امضا رسید که براساس آن کنترل تنگه‌های بسفر و داردانل به ترکیه واگذار شد و قواعد عبور کشتی‌های تجاری و نظامی را مشخص کرد. بعد از ۹۰ سال این توافق همچنان معتبر است و بر یکی از حساس‌ترین شاهراه‌های تجارت جهانی حکومت می‌کند. اهمیت این معاهده تنها به دریای سیاه محدود نیست بلکه نمونه‌ای است از اینکه چگونه کنترل یک تنگه می‌تواند به اهرمی برای قدرت اقتصادی و سیاسی تبدیل شود. تنگه‌ها در ظاهر تنها گذرگاه‌هایی باریک میان دو پهنه آبی هستند اما در عمل، گلوگاه‌های اقتصاد جهانی به‌شمار می‌روند. بخش بزرگی از تجارت بین‌المللی از مسیر دریا انجام می‌شود و کشتی‌ها برای کاهش زمان و هزینه، ناگزیر از عبور از مسیرهای مشخصی هستند. هرگاه یکی از این مسیرها مختل شود، زنجیره تأمین جهانی دچار اختلال می‌شود، هزینه حمل‌ونقل افزایش می‌یابد، قیمت کالاها بالا می‌رود و حتی تورم در کشورهای دوردست نیز تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد. تنگه بسفر و داردانل، نمونه‌ای کلاسیک از این وضعیت هستند. این دو تنگه، دریای سیاه را به دریای مدیترانه متصل می‌کنند و تنها راه دسترسی دریایی کشورهای روسیه، اوکراین، رومانی، بلغارستان و گرجستان به آب‌های آزاد هستند. صادرات غلات اوکراین، نفت قزاقستان و بخشی از صادرات انرژی روسیه از همین مسیر عبور می‌کند. اگر این گذرگاه بسته شود، اقتصاد کشورهای حوزه دریای سیاه و بازار جهانی غذا و انرژی با شوک بزرگی مواجه خواهد شد. به همین دلیل کنوانسیون مونترو اهمیت ویژه‌ای دارد. این معاهده ضمن تضمین آزادی عبور کشتی‌های تجاری

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

بازگشت خریداران

بازار چرا سبزپوش شد؟

نسرین خدادادی
گروه اقتصاد

مبادلات بازار سهام سرانجام پس از ۸ روز افت متوالی با سبزپوشی شاخص‌ها و برتری خریداران به پایان رسید. بازار که در روزهای گذشته تحت‌فشار سنگین عرضه‌ها قرار داشت دیروز از همان دقایق ابتدایی با ورود تقاضای قابل‌توجه همراه شد و توانست، بخشی از اعتماد از دست‌رفته سرمایه‌گذاران را احیا کند. اگرچه در میانه معاملات افزایش عرضه‌ها، بخشی از رشد شاخص را تعدیل کرد اما بازگشت دوباره تقاضا در نیم ساعت پایانی باعث شد، بازار با فضایی امیدوارکننده‌تر نسبت به روزهای اخیر معاملات خود را به پایان برساند. در پایان معاملات شاخص کل بورس با رشد ۵۷ هزار و ۹۳۶ واحدی معادل ۱۰۲۲درصد به سطح ۴ میلیون و ۸۱۳ هزار واحد رسید. شاخص هم‌وزن نیز عملکرد بهتری از خود نشان داد و با افزایش ۱۹ هزار و ۱۳۷ واحدی معادل ۰.۴۷ درصد، در ارتفاع یک میلیون و ۳۲۰ هزار واحد ایستاد. رشد بیشتر شاخص هم‌وزن نسبت به شاخص کل بیانگر آن است که دیروز تقاضا تنها به نمادهای

در زمان صلح، محدودیت‌هایی برای عبور ناوهای جنگی وضع کرده است. ترکیه نیز اختیار دارد در شرایط جنگ یا زمانی که امنیت خود را در خطر ببیند، عبور برخی شناورها را محدود کند. پس از حمله روسیه به اوکراین، آنکارا دقیقاً با استناد به همین توافق، عبور ناوهای جنگی را محدود کرد و نشان داد که یک سند حقوقی مربوط به دهه ۱۹۳۰ هنوز می‌تواند بر معادلات امنیتی و اقتصادی قرن بیست‌ویکم اثر بگذارد. اما بسفر تنها نمونه نیست. اگر نقشه جهان را از منظر تجارت دریایی نگاه کنیم، مجموعه‌ای از گلوگاه‌های راهبردی دیده می‌شود که هر یک می‌توانند، اقتصاد جهانی را دگرگون کنند. تنگه هرمز شاید مهم‌ترین آنها باشد. حدود یک‌پنجم نفت جهان و بخش قابل‌توجهی از گاز طبیعی مایع قطر از این مسیر عبور می‌کند. هر بار که تنش‌های سیاسی در خلیج‌فارس افزایش می‌یابد، بازار نفت نیز واکنش نشان می‌دهد حتی اگر هیچ کشتی‌ای متوقف نشده باشد. دلیل این واکنش ساده است چون بازارها بیش از آنکه به رویدادها واکنش نشان دهند به احتمال وقوع آنها حساس هستند. در جنوب شرق آسیا نیز تنگه مالاکا قرار دارد؛ گذرگاهی که اقیانوس هند را به دریای چین جنوبی متصل می‌کند و شاهراه اصلی تجارت میان آسیا، اروپا و خاورمیانه است. اقتصادهای بزرگی مانند چین، ژاپن و کره جنوبی برای واردات نفت و مواد اولیه به این مسیر وابسته‌اند. به همین دلیل چین سال‌هاست از «معضل مالاکا» سخن می‌گوید و نگران است که در صورت وقوع بحران، این مسیر حیاتی مسدود شود و امنیت انرژی این کشور به خطر بیفتد. کانال سوئز نیز نمونه دیگری از قدرت یک گلوگاه است. در سال ۲۰۲۱ تنها یک کشتی غول‌پیکر توانست برای چند روز یکی از مهم‌ترین مسیرهای تجارت جهانی را مسدود کند. نتیجه، صفی طولانی از کشتی‌ها، افزایش هزینه حمل‌ونقل، تأخیر در تحویل کالاها و خسارتی چند میلیارد دلاری بود. این حادثه نشان داد که حتی بدون جنگ نیز یک اختلال کوچک در یک گلوگاه می‌تواند، آثار جهانی داشته باشد.

تنگه هرمز هم گلوگاهی است که اقتصاد جهان را به هم پیوند می‌دهد. این تنگه یکی از مهم‌ترین شریان‌های اقتصاد جهانی است. بخش قابل‌توجهی از صادرات نفت کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و بخش بزرگی از گاز طبیعی مایع قطر از این مسیر عبور می‌کند. به همین دلیل هرگونه تنش، ناامنی یا حتی احتمال اختلال در عبور کشتی‌ها بلافاصله بر قیمت انرژی، هزینه حمل‌ونقل، نرخ بیمه کشتی‌ها و انتظارات بازارهای جهانی اثر می‌گذارد. البته تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد که وابستگی جهان به هرمز به‌تدریج در حال کاهش است. کشورهای منطقه با توسعه خطوط لوله، بنادر جدید و مسیرهای جایگزین تلاش کرده‌اند، بخشی از صادرات نفت خود را بدون عبور از

ایسن تنگه انجام دهند. با این حال هنوز جایگزین کاملی برای هرمز وجود ندارد. به‌ویژه در حوزه صادرات گاز طبیعی مایع قطر که همچنان به این مسیر وابسته است. در نتیجه، اهمیت تنگه هرمز بیش از آنکه در امکان بستن آن باشد، در تأثیر آن بر انتظارات بازارهاست. این آبراه نشان می‌دهد که چگونه جغرافیا می‌تواند بر قیمت انرژی، امنیت اقتصادی و حتی رشد اقتصاد جهان اثر بگذارد. هرمز فقط یک تنگه نیست؛ یکی از نبض‌های اقتصاد جهانی است. در آمریکای مرکزی، کانال پاناما نیز نقشی مشابه ایفا می‌کند. این کانال، اقیانوس اطلس و آرام را به‌هم متصل و مسیر حرکت کشتی‌ها را هزاران کیلومتر کوتاه‌تر می‌کند. اما در سال‌های اخیر، خشکسالی و کاهش سطح آب دریاچه‌های تغذیه‌کننده کانال باعث محدود شدن تردد کشتی‌ها شد. نتیجه آن افزایش زمان انتظار، رشد هزینه حمل‌ونقل و تغییر مسیر برخی کشتی‌ها بود. این تجربه نشان داد که تهدید گلوگاه‌های تجاری تنها از جنگ ناشی نمی‌شود؛ تغییرات اقلیمی نیز می‌تواند همان اثر را داشته باشد. اقتصاددانان از این پدیده با عنوان ریسک گلوگاه یاد می‌کنند. هرچه سهم بیشتری از تجارت جهانی از یک مسیر محدود عبور کند، قدرت اقتصادی و سیاسی کشوری که بر آن مسیر کنترل دارد، افزایش می‌یابد. این قدرت الزاماً به‌معنای بستن مسیر نیست. گاهی تنها احتمال اختلال برای افزایش قیمت نفت، بیمه کشتی‌ها یا کرایه حمل کافی است. در واقع ارزش راهبردی یک تنگه بیش از آنکه در بستن آن باشد، در توانایی تأثیرگذاری بر انتظارات بازار نهفته است. همین منطق موجب شده که کشورها در دهه‌های اخیر میلیاردها دلار برای ایجاد مسیرهای جایگزین سرمایه‌گذاری کنند. خطوط لوله انتقال نفت در عربستان سعودی، امارات و عراق، توسعه بنادر جدید، کریدورهای ریلی میان آسیا و اروپا و حتی پروژه‌های عظیم مانند «کمربند و جاده» چین همگی با هدف کاهش وابستگی به چند گلوگاه محدود طراحی شده‌اند. هرچه مسیرهای جایگزین بیشتر شوند، قدرت انحصاری تنگه‌ها کاهش می‌یابد. با ایسن حال جایگزین کردن برخی گذرگاه‌ها بسیار دشوار است. تنگه هرمز نمونه بارز این وضعیت است. اگرچه برخی خطوط لوله می‌توانند، بخشی از صادرات نفت خلیج‌فارس را دور بزنند اما هنوز بخش قابل‌توجهی از نفت و تقریباً تمام صادرات گاز طبیعی مایع قطر وابسته به این مسیر است. به همین دلیل هر تحول امنیتی در این منطقه بلافاصله در قیمت انرژی منعکس می‌شود.

اقتصاددانان می‌گویند، کنترل یک تنگه به‌معنای تأثیرگذاری بر جریان کالا، انرژی، سرمایه و حتی انتظارات اقتصادی جهان است. از بسفر تا هرمز، از مالاکا تا سوئز و پاناما این گذرگاه‌ها نشان می‌دهند که جغرافیا هنوز یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده اقتصاد جهانی است. فناوری، دیجیتالی شدن و جهانی شدن اگرچه شیوه تجارت را تغییر داده‌اند اما توانسته‌اند اهمیت جغرافیا را از میان ببرند. شاید به همین دلیل است که رقابت قدرت‌های بزرگ در قرن بیست‌ویکم بیش از هر زمان دیگری بر سر کنترل مسیرهای حمل‌ونقل، بنادر و گلوگاه‌های دریایی متمرکز شده است. در جهانی که بیش از ۸۰درصد تجارت کالا از راه دریا انجام می‌شود هر کشوری که بر یک گلوگاه راهبردی تسلط داشته باشد تنها صاحب یک تنگه نیست بلکه بخشی از نبض اقتصاد جهان را در اختیار دارد.

معاملاتی نیز برتری محسوس خریداران را تأیید می‌کند. در پایان معاملات ۶۴۳ نماد با رشد قیمت به کار خود پایان دادند و تنها ۱۱۸ نماد در محدوده منفی قرار گرفتند. همچنین ۴۴۲ نماد در صف خرید بودند، درحالی‌که تنها ۴۲ نماد با صف فروش معاملات خود را به پایان رساندند. اختلاف قابل‌توجه ارزش سفارش‌های خرید و فروش نیز همین تصویر را تکمیل می‌کند؛ ارزش سفارش‌های خرید به بیش از ۶ هزار و ۱۹۳ میلیارد تومان رسید، درحالی که ارزش سفارش‌های فروش تنها ۷۲۲ میلیارد تومان بود. ارزش معاملات خرد سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی نیز بیش از ۲۱ هزار و ۳۳۸ میلیارد تومان ثبت شد. اگرچه این رقم نسبت به معاملات پرحجم روز گذشته کاهش یافته است اما همچنان در سطحی قرار دارد که از حفظ تحرک بازار حکایت می‌کند. از سوی دیگر ورود حدود ۲ هزار و ۹۵۱ میلیارد تومان پول حقیقی به بازار سهام و همزمان خروج بیش از یک هزار و ۱۹۰ میلیارد تومان نقدینگی از صندوق‌های درآمد ثابت، نشان می‌دهد بخشی از سرمایه‌گذاران بار دیگر ترجیح داده‌اند که ریسک بیشتری بپذیرند و منابع خود را از دارایی‌های کم‌ریسک به سمت سهام منتقل کنند. با وجود این برای آنکه بتوان از پایان روند اصلاحی بورس با اطمینان سخن گفت، بازار به تداوم ورود نقدینگی، حفظ ارزش معاملات و تثبیت برتری تقاضا در روزهای آینده نیاز دارد. رشد دیروز بیش از هر چیز یک سیگنال امیدوارکننده بود؛ اما اینکه این بازگشت به آغاز یک روند صعودی تبدیل شود یا صرفاً یک توقف موقت در مسیر اصلاح باشد به رفتار سرمایه‌گذاران و متغیرهای اقتصادی و سیاسی در روزهای آینده بستگی خواهد داشت.

سنایی در سکوت

موج جدید پلمب کافه‌های محبوب پایتخت

گروه اجتماعی: گزارش‌های رسیده از خیابان‌های پایتخت حاکی از آن است که شمار زیادی از کافه‌رستوران‌های شناخته شده و محبوب در خیابان‌های سنایی و ایرانشهر تهران روز دوشنبه ۲۹ تیرماه ۱۴۰۵ توسط نهادهای نظارتی و انتظامی پلمب شده‌اند. با وجود اینکه تا زمان تنظیم این گزارش هیچ مقام رسمی، دلایل قانونی این اقدام را اعلام نکرده است، پیگیری‌های میدانی و غیررسمی نشان می‌دهند که این واحدها به دلیل «عدم رعایت شئونات اسلامی» تعطیل شده‌اند.

مشاهدات عینی از بعدازظهر دیروز نشان می‌دهد که کرکره بسیاری از پاتوق‌های اصلی جوانان در این محدوده پایین کشیده شده و کاغذهای مستطیلی شکل حاوی کد پلمب زمان اخطار و نام نهاد اقدام‌کننده روی درهای ورودی آنها چسبانده شده است. براساس اطلاعات مندرج روی این برگه‌ها، اخطار پلمب این واحدها دو روز پیش یعنی در تاریخ ۲۷ تیرماه صادر شده بود.

از «سام کافه» تا «مان»؛ پاتوق‌هایی که خاموش شدند

خیابان سنایی که در سال‌های اخیر به یکی از مراکز اصلی تجمع، گفت‌وگو و زیست روزمره قشر جوان و فرهنگی تهران تبدیل شده بود امروز فضای متفاوتی را تجربه کرد.

ایرانشهر

از تبریز تا بوشهر

دامنه حملات آمریکا در ایران افزایش یافت

فائزه مومنی

گروه اجتماعی

در پی تشدید کم‌سابقه درگیری‌های نظامی میان ایران و ایالات متحده، ارتش آمریکا در ساعات گذشته دامنه حملات خود را از نوار ساحلی جنوب به مناطق مرکزی، غربی و شمال‌غربی ایران گسترش داده است. گزارش‌های رسمی و میدانی نشان می‌دهند که کلان‌شهرهای شیراز و تبریز و مناطقی در استان‌های بوشهر، خوزستان و آذربایجان غربی هدف حملات موشکی و هوایی قرار گرفته‌اند که این حملات

دست‌کم یک کشته و چندین مجروح بر جا گذاشته است. این نخستین‌بار در دور جدید درگیری‌هاست که مناطقی در شمال‌غرب ایران و شهرهایی مانند تبریز، هدف حمله مستقیم قرار می‌گیرند. واشنگتن پیش‌تر اعلام کرده بود که اهدافش محدود به مواضع نظامی است اما اصابت پرتابه‌ها به نزدیکی مناطق مسکونی، پایتخت و شهرهای بزرگ ایران را در وضعیت هشدار قرار داده است.

شیراز و بندر امام؛ ورود مرکز و جنوب به فاز جدید حملات

در آخرین تحولات میدانی، مقامات محلی در استان فارس تأیید کردند که عصر روز دوشنبه ۲۹ تیرماه، شهر شیراز هدف حمله هوایی قرار گرفته است.

سیداحمد احمدی‌زاده، معاون سیاسی،

امنیتی و اجتماعی استاندار فارس با «جنایتکارانه» خواندن این اقدام، اعلام کرد که یکی از مناطق شهر شیراز، هدف حمله هوایی دشمن قرار گرفته است. به گفته این مقام استانی این حادثه تلفات جانی در پی نداشته و تیم‌های ارزیاب برای بررسی خسارات در محل حضور یافته‌اند. همزمان در استان خوزستان، حملات موشکی بخش‌های صنعتی و بندری را هدف قرار داد. ولی‌الله حیاتی، معاون امنیتی و انتظامی استاندار خوزستان اعلام کرد که بامداد امروز (دیروز) یک نقطه در اطراف شهر بندر امام خمینی، هدف اصابت موشک نیروهای آمریکایی قرار گرفته است. مقامات خوزستان نیز تأکید کرده‌اند که این حمله، تلفات جانی در پی نداشته است.

براساس گزارش‌های تأیید شده، کافه رستوران‌های مطرحی همچون «جو کافه»، «۴۰۱»، «سام کافه»، «دو بار»، «مان»، «نووک» و «توری» ازجمله واحدهایی هستند که چراغ‌هایشان خاموش و فعالیت‌شان متوقف شده است.

در برخی از این واحدها، صاحبان کافه ترجیح داده‌اند پیش از چسبانده شدن برگه‌های رسمی بر روی کرکره‌ها، خبر پلمب شدن خود را از طریق صفحات اینستاگرام به اطلاع مشتریان برسانند. در محور خیابان سنایی، تراکم کافه‌های تعطیل شده به قدری بالااست که برگه‌های پلمب یکی پس از دیگری بر روی کرکره‌های مغازه‌ها به چشم می‌خورند.

یکی از کسبه محلی در پاسخ به سوالی درباره علت این برخوردهای گسترده به‌طور کوتاه به موضوع «حجاب» اشاره می‌کند. گزارش‌ها همچنین نشان می‌دهند که در روزهای گذشته، سایر کافه رستوران‌های فعال در این دو خیابان نیز تذکرات جدی و هشدارهایی را از سوی نهادهای نظارتی دریافت کرده بودند.

تغییر رفتار کسبه

این موج جدید پلمب‌ها با برخوردهایی که در اردیبهشت ماه سال جاری در همین منطقه رخ داد، تفاوت‌های آشکاری دارد.



اصلی پیاده‌روها تبدیل شده است. بسیاری از فعالان این صنف اکنون با نگرانی از احتمال گسترش این برخوردها و بسته شدن تعداد بیشتری از کافه‌ها در روزهای آینده سخن می‌گویند.

فشار بر اقتصاد شکننده بخش خصوصی

برخوردهای انضباطی در شرایطی تشدید می‌شود که این واحدهای صنفی خرد با بحران‌های اقتصادی عمیده‌ای ازجمله تورم بالا، اجاره‌بهاهای سنگین و کاهش قدرت خرید شهروندان روبه‌رو هستند. تعطیلی اجباری یک کافه، حتی برای چند روز، به‌معنای زیان مالی انباشته، عدم توانایی در پرداخت حقوق کارگران روزمزد و در نهایت تهدید سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است.

تحلیلگران اجتماعی معتقدند، کافه‌ها در شهرهای بزرگ ایران دیگر تنها یک بنگاه اقتصادی برای صرف نوشیدنی نیستند بلکه به‌عنوان «فضاهای عمومی جایگزین» برای رواداری اجتماعی و تنفس مدنی نسل جوان عمل می‌کنند.

شهر

گسل سرپل ذهاب دوباره لرزید

بازگشت نگرانی به غرب کشور؛
گسل ۹۶ دوباره فعال شد؟

وقوع دو زمین‌لرزه ۴.۹ و ۵.۲ ریشتری بامداد ۲۹ تیر در جنوب جواهرود و شرق سرپل ذهاب بار دیگر نگرانی‌ها درباره فعالیت یکی از مهم‌ترین سامانه‌های گسلی غرب ایران را افزایش داده است. اگرچه این دو زمین‌لرزه خسارت گسترده‌ای بر جای نگذاشتند اما به گفته کارشناسان نباید آنها را صرفاً دو رخداد مستقل تلقی کرد.

مهدی زارع، استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله در گفت‌وگو با خبرآنلاین تأکید می‌کند که این زمین‌لرزه‌ها به احتمال زیاد ادامه فعالیت سامانه گسل پی‌سنگی سرپل ذهاب هستند؛ همان سامانه‌ای که زلزله ویرانگر ۷.۳ ریشتری آبان ۱۳۹۶ را ایجاد کرد. به گفته او عمق حدود ۲۰ کیلومتری این زمین‌لرزه‌ها نیز فرضیه ارتباط آنها با گسل پی‌سنگی را تقویت می‌کند؛ گسلی که برخلاف بسیاری از گسل‌های زاگرس در بخش‌های عمیق‌تر پوسته فعال است.

زارع با اشاره به پیشینه تاریخی لرزه‌خیزی منطقه یادآور می‌شود که شهر باستانی حلوان در محدوده سرپل ذهاب امروزی، دست‌کم در سال‌های ۹۵۸ و ۱۱۴۹ میلادی بر اثر زمین‌لرزه‌های بزرگ به‌طور کامل ویران شده است. همچنین زمین‌لغزش‌های ثبت‌شده در دامنه کوه «مله‌کبود» نیز از تداوم فعالیت همین سامانه گسلی در طول تاریخ حکایت دارد.

این زلزله‌شناس می‌گوید، تجربه زلزله ۱۳۹۶ نشان داد که پایان یک زمین‌لرزه بزرگ به‌معنای پایان خطر نیست. پس از آن رخداد علاوه بر هزاران پس‌لرزه، چهار زمین‌لرزه مستقل با بزرگای بیش از ۶ ریشتر نیز در مدت ۱۴ ماه ثبت شد؛ موضوعی که پیچیدگی رفتار گسل سرپل ذهاب را نشان می‌دهد. به اعتقاد زارع، زلزله سال ۱۳۹۶ تنها بخشی از انرژی ذخیره شده را آزاد کرد و بخشی از تنش را به گسل‌های مجاور منتقل کرد؛ پدیده‌ای که از آن با عنوان «اثر دومینو» یاد می‌شود. بر همین اساس، او هشدار می‌دهد، زمین‌لرزه‌های اخیر می‌توانند نشانه ادامه تنظیم تنش در این سامانه باشند و احتمال وقوع زمین‌لرزه‌هایی با بزرگای بیش از ۶ ریشتر همچنان وجود دارد؛ هشدار که ضرورت پایش مداوم منطقه و آمادگی هرچه بیشتر دستگاه‌های مدیریت بحران را یادآور می‌شود.

قطع برق در بوشهر و تلاش برای انسداد اطلاعاتی در تنگه هرمز

استان ساحلی بوشهر نیز بامداد دیروز شاهد دور جدیدی از تهاجم هوایی بود. محمد مظفری، فرماندار بوشهر، اعلام کرد که مرکز این استان دو بار پیاپی مورد تهاجم قرار گرفته که ابعاد آن در دست بررسی است.

همزمان احسان جهانیان، معاون امنیتی استانداری بوشهر، از دو مرحله حمله هوایی به دو مکان نظامی در شهر «خورموج» خبر داد. این حملات منجر به آسیب به شبکه توزیع و قطع برق در بخش‌هایی از خورموج شد که به گفته مقامات، جریان انرژی پس از مدتی به‌صورت اضطراری وصل شد. در همین حال، گزارش‌ها از استان هرمزگان نشان می‌دهد که شهرستان «سیریک» بار دیگر هدف انفجارهای شدید قرار گرفته است. رسانه‌های دولتی ایران اعلام کردند که هدف قرار گرفتن مکرر سیریک در روزهای گذشته، تلاش استراتژیک ارتش آمریکا برای از بین بردن زیرساخت‌های راداری و «قطع اشراف اطلاعاتی ایران بر تنگه هرمز» است.

وضعیت ملتهب در اصفهان؛ صدای انفجارهای کنترل شده

همزمان با حملات هوایی آمریکا به نقاط مختلف کشور، شنیده شدن صدای انفجارهای متعدد در جنوب و غرب شهر اصفهان، بهارستان و محدوده کوه صفه موجب نگرانی و تشدید فضای بحرانی در میان شهروندان اصفهانی شد.

با این حال مقامات محلی ارتباط این انفجارها با حملات جاری را تکذیب کردند. منصور شیشه‌فروش، مدیرکل مدیریت بحران استانداری اصفهان اعلام کرد که صدای شنیده شده ناشی از «عملیات فنی و کنترل شده انهدام مهمات عمل نکرده باقی‌مانده از جنگ

رمضان» بوده که توسط تیم‌های فنی تا بعدازظهر امروز (دیروز) در دستورکار قرار داشته و جای نگرانی امنیتی ندارد.

با ورود کلان‌شهرهای استراتژیک مانند شیراز و تبریز به جغرافیای درگیری‌ها، منازعه ایران و آمریکا از فاز مهار ساحلی خارج شده و به یک رویارویی سراسری نزدیک‌تر شده است. درحالی که نهادهای امدادی و امنیتی در سراسر ایران در وضعیت آمادہ‌باش کامل قرار دارند، ناظران پیش‌بینی می‌کنند که اصابت پرتابه‌ها به عمق خاک ایران و برجا ماندن تلفات انسانی، واکنش‌های تلافی‌جویانه شدیدتری را از سوی تهران در ساعات آینده به همراه داشته باشد.



یکی از نظامیان ارتش ایران به‌نام «ستوان دوم مهداد پاشایی» به شهادت رسیده و پیکر او برای تشییع به زادگاهش در شهرستان مراغه منتقل شده است.

کمی آن سوتر در آذربایجان غربی و در نزدیکی مرزهای غربی کشور، حوالی ساعت ۳ بامداد، نقطه‌ای در نزدیکی بخش «سیلوانا» در حومه ارومیه هدف اصابت موشک قرار گرفت. حامد صفاری، مدیرکل مدیریت بحران آذربایجان غربی، اعلام کرد که این پرتابه منجر به مجروح شدن چندین نفر شده که توسط نیروهای هلال‌احمر و اورژانس به مراکز درمانی منتقل شده‌اند. مقامات محلی هنوز جزئیاتی از ماهیت مرکز هدف قرار گرفته، منتشر نکرده‌اند.



سال نهم شماره ۲۲۸۴
سه‌شنبه ۳۰ تیر ۱۴۰۵

دیدگاه

بررسی مسائل روز

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیر هنری: رضا دولتشاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین‌فر • حروف‌چین: سحر خسروجردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

گزارش ویژه

آریاساسول، پیشگام اجرای طرح ایمنی مبتنی بر بینش رفتاری



بوشهر: شرکت پلیمر آریاساسول در راستای تعهد به بهره‌گیری از بهترین تجربیات جهانی و حرکت در مسیر تعالی ایمنی و توسعه پایدار، پروژه ایمنی مبتنی بر بینش رفتاری را به‌منظور ارتقای فرهنگ ایمنی و بهبود مستمر رفتارهای ایمن کارکنان در محیط‌های صنعتی – عملیاتی اجرا کرده است.

پروژه ایمنی مبتنی بر بینش رفتاری (BIS – Be- havioral Insight Safety) با رویکرد شناسایی، مطالعه و اصلاح رفتارهای نا ایمنی که به‌رغم استقرار نظام‌های مدیریتی، تدوین دستورالعمل‌ها و برگزاری دوره‌های آموزشی سبب بروز حوادث می‌شوند، در این شرکت اجرایی شد. با اجرای این پروژه در مرحله پیاده‌سازی بیش از یک هزار رفتار ناایمن در سطح مجتمع شناسایی، ثبت و تجزیه و تحلیل شده که برای هر یک از این رفتارها با توجه به علل آن مداخلات اصلاحی و راهکارهای متناسب، اجرایی شد.

به همت متخصصان شرکت پلیمر آریاساسول نقشه راه این طرح از تجربیات شرکت‌های پیشرو و معتبر در جهان و منابع بین‌المللی در استقرار Be- havioral Base Safety – BBS استخراج شد؛ که با توجه به محدودیت‌های ناشی از تحریم با تکیه بر کار گروهی، تخصص و دانش کارشناسان حوزه HSE آریاساسول و شرکت‌های همکار به مرحله اجرا رسید. این پروژه در قالب پنج فاز اجرایی شامل: آموزش و توانمندسازی، مشاهده و ثبت رفتارها، تحلیل رفتارهای ناایمن، مداخلات اصلاحی و بهبود و ارزیابی و پایش مستمر اجرا شده است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های پروژه BIS تمرکز بر تغییر بینش به‌منظور تغییر رفتار کارکنان است. تجربه نشان می‌دهد بسیاری از کارکنان علاوه بر آشنایی با الزامات ایمنی، آموزش‌های لازم را نیز دریافت کرده‌اند اما عوامل مختلف، مانع از تبدیل این آگاهی به رفتار ایمن می‌شود. بر همین اساس این پروژه تلاش کرده است با شناسایی ریشه‌های واقعی رفتارهای ناایمن و حذف موانع موجود، زمینه شکل‌گیری رفتارهای ایمن پایدار را فراهم کند. طراحی و اجرای کامل این پروژه با تکیه بر توان کارشناسان داخلی و کارشناسان شرکت‌های همکار، شرکت را از به‌کارگیری مشاوران خارجی بی‌نیاز و از تحمیل هزینه‌های قابل‌توجه جلوگیری کرده است.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۴۶۱ هیات اول کلاس ۱۴۰۴ – ۲۵۲۶ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم معصومه رضضانی به شناسنامه شماره ۷ کدملی ۰۹۰۲۲۶۶۴۰۳ صادره مرکزی فرزند اسفندیار در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۳۲.۷۸ متر مربع واقع در پلاک ۶۴ اصلی خراسان رضوی بخش دو حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی محمد ساربان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م.الف ۱۵۹۶

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۳۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۴
احمد جهانگیر سر رئیس ثبت‌اسناد و املاک کاشمر

دوستان جدید، دشمنان قدیمی

مناسبات خاورمیانه چگونه تغییر کرده است؟

مهتا معرفت

خبرنگار

اگر یک دیپلمات دو سال پیش به کما رفته باشد و امروز هوشیاری‌اش را به دست آورده باشد احتمالاً امروز از دیدن نقشه روابط کشورهای منطقه شگفت‌زده می‌شود. عربستان با ایران گفت‌وگو می‌کند، امارات همزمان با تهران و تل‌آویو رابطه دارد، سوریه که زمانی مهم‌ترین متحد ایران بود به سمت کشورهای عربی و ترکیه متمایل شده، قطر همچنان نقش میانجی را ایفا می‌کند و عراق تلاش می‌کند میان همه طرف‌ها موازنه برقرار کند. دیگر نمی‌توان کشورهای منطقه را با دو برچسب متحد و دشمن دسته‌بندی کرد. خاورمیانه در حال عبور از نظامی است که طی چهار دهه بر آن حاکم بود. نظامی که بر محورهای ایدئولوژیک و امنیتی استوار بود و اکنون جای خود را به شبکه‌ای از روابط متغیر و مبتنی بر منافع داده است. جنگ غزه، درگیری مستقیم ایران و اسرائیل، آتش‌بس میان ایران و آمریکا، توافق تهران و ریاض، سقوط دولت بشار اسد و رقابت بر سر کریدورهای تجاری همگی قطعات پازلی هستند که تصویر تازه‌ای از منطقه ترسیم کرده‌اند. پرسش اصلی این است که این تغییرات چه الگویی را نشان می‌دهند؟ آیا خاورمیانه وارد عصر جدیدی از همکاری شده یا فقط شکل رقابت‌ها تغییر کرده است؟

پایان خاورمیانه دوقطبی

برای سال‌ها، تحلیل سیاست خاورمیانه نسبتاً ساده بود. تقریباً همه کشورها در یکی از دو اردوگاه قرار می‌گرفتند. در یک‌سو ایران، سوریه، حزب‌الله لبنان و گروه‌های نزدیک به تهران قرار داشتند و در سوی دیگر اسرائیل، عربستان سعودی، امارات و متحدان آمریکا. این تقسیم‌بندی اگرچه هیچگاه کاملاً دقیق نبود اما چارچوب غالب تحلیل‌ها را تشکیل می‌داد. هر بحران منطقه‌ای نیز همین صف‌بندی را بازتولید می‌کرد. از جنگ لبنان گرفته تا بحران سوریه و یمن. اما امروز این تصویر دیگر کارآمد نیست. بسیاری از کشورها دیگر حاضر نیستند، سیاست خارجی خود را براساس دشمنی دائمی یا اتحاد دائمی تعریف کنند. آنها ترجیح می‌دهند در هر پرونده براساس منافع اقتصادی، امنیتی یا ژئوپلیتیک تصمیم بگیرند. نتیجه آن است که کشوری ممکن است در یک موضوع شریک ایران باشد، در موضوعی دیگر با اسرائیل همکاری کند و همزمان روابط نزدیک خود با آمریکا را نیز حفظ کند. به بیان دیگر، منطقه از سیاست اردوگاهی به سمت سیاست شبکه‌ای حرکت کرده است.

بزرگ‌ترین چرخش

اگر قرار باشد تنها یک کشور به‌عنوان نماد این تحول معرفی شود آن کشور امارات متحده عربی است. امارات تا چند سال پیش یکی از جدی‌ترین منتقدان سیاست منطقه‌ای ایران محسوب می‌شد. اما از سال ۲۰۲۲ به بعد، مسیر تازه‌ای را در پیش گرفت. سفارتخانه‌ها دوباره فعال شدند، رفت‌وآمدهای دیپلماتیک افزایش یافت و همکاری‌های اقتصادی گسترش پیدا کرد. در عین حال، امارات روابط راهبردی خود با اسرائیل را نیز حفظ کرده است. پیمان ابراهیم همچنان برقرار است

و همکاری‌های اقتصادی، فناوری و امنیتی میان ابوظبی و تل‌آویو ادامه دارد. امارات برخلاف گذشته دیگر خود را مجبور نمی‌بیند میان ایران و اسرائیل یکی را انتخاب کند. این کشور تلاش می‌کند با هر دو رابطه داشته باشد و از هر دو مسیر، منافع اقتصادی و امنیتی خود را تأمین کند. این شاید روشن‌ترین نمونه از سیاست خارجی عمل‌گرایانه در خاورمیانه جدید باشد.

از تقابل تا مدیریت رقابت

دومین تغییر بزرگ به عربستان سعودی مربوط می‌شود. روابط تهران و ریاض که سال‌ها با تنش شدید همراه بود پس از توافق پکن وارد مرحله تازه‌ای شد. هرچند اختلاف‌های بنیادین دو کشور همچنان پابرجاست اما هر دو طرف به این نتیجه رسیده‌اند که هزینه رویارویی مستقیم بیش از منافع آن است. ریاض اکنون بیش از هر زمان دیگری بر اجرای برنامه «چشم‌انداز ۲۰۳۰» و تبدیل شدن به قطب سرمایه‌گذاری منطقه تمرکز کرده است. چنین هدفی بدون کاهش تنش‌های منطقه‌ای امکان‌پذیر نیست. به همین دلیل عربستان به جای تقابل دائمی، راهبرد «مدیریت رقابت» را دنبال می‌کند. در این چارچوب، ایران دیگر دشمنی نیست که باید در همه جبهه‌ها با آن مقابله کرد؛ بلکه رقیبی است که باید با او همزمان مذاکره، رقابت و در مواردی همکاری کرد.

بازگشت به جهان عرب

شاید هیچ کشوری به اندازه سوریه دچار تغییر موقعیت نشده باشد. در دوران جنگ داخلی، دمشق مهم‌ترین حلقه اتصال ایران به لبنان و مدیترانه بود و بقای حکومت بشار اسد تا حد زیادی به حمایت ایران و روسیه وابسته بود. اما با تغییر موازنه قدرت در سوریه و روی کار آمدن دولت جدید این معادله نیز دگرگون شد. سوریه امروز بیش از گذشته به‌دنبال عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی، جذب سرمایه، بازسازی اقتصاد و کاهش انزوا بین‌المللی است. نزدیکی به عربستان، قطر، ترکیه و امارات نشان می‌دهد که اولویت‌های دمشق نیز تغییر کرده است. این تحول به‌معنای قطع کامل روابط با ایران نیست اما نشان می‌دهد که وزن ملاحظات اقتصادی در حال افزایش و وزن ملاحظات ایدئولوژیک در حال کاهش است.

قدرت‌های میانجی

دو کشوری که بیشترین سود را از نظم جدید برده‌اند شاید قطر و ترکیه باشند. قطر طی دو دهه گذشته به یکی از مهم‌ترین میانجی‌های منطقه تبدیل شده است. این کشور هم با ایران روابط نزدیکی دارد، هم میزان بزرگ‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در منطقه است، هم با حماس گفت‌وگو می‌کند و هم در پرونده‌های مختلف با اسرائیل ارتباط دارد. این توانایی در حفظ ارتباط با بازیگران متضاد، جایگاه ویژه‌ای برای دوحه ایجاد کرده است. ترکیه نیز سیاست مشابهی را دنبال می‌کند. آنکارا در بسیاری از پرونده‌ها با ایران همکاری می‌کند، عضو ناتو است، با روسیه مذاکره می‌کند و در عین حال مناسبات اقتصادی گسترده‌ای با کشورهای عربی دارد. سیاست خارجی ترکیه بیش از آنکه بر اتحادهای ثابت استوار باشد بر حفظ آزادی عمل استوار است.

دستاوردها و محدودیت‌ها

در نگاه نخست ممکن است تصور شود که اسرائیل بزرگ‌ترین برنده تحولات اخیر بوده است. این کشور روابط خود را با امارات حفظ کرده و همچنان از حمایت آمریکا برخوردار است. اما جنگ غزه، هزینه‌های مهمی نیز برای تل‌آویو ایجاد کرده است. روند عادی‌سازی روابط با بسیاری از کشورهای اسلامی کند شده، عربستان با احتیاط بیشتری حرکت می‌کند، روابط با ترکیه تیره‌تر شده و قطر بیش از گذشته در نقش میانجی مستقل ظاهر شده است. به بیان دیگر اسرائیل اگرچه همچنان از برتری نظامی برخوردار است اما مسیر گسترش نفوذ سیاسی آن در منطقه دشوارتر از گذشته شده است.

کاهش انزوای کاهش نفوذ؟

برای ایران نیز تصویر پیچیده است. از یک‌سو روابط با عربستان و امارات بهبود یافته و بخشی از فشارهای منطقه‌ای کاهش پیدا کرده است. از سوی دیگر، جایگاه برخی از مهم‌ترین متحدان سنتی تهران دچار تغییر شده است. سوریه مسیر متفاوتی را دنبال می‌کند، لبنان با بحران‌های داخلی دست‌وپنجه نرم می‌کند و عراق نیز تلاش می‌کند میان ایران، جهان عرب و غرب موازنه برقرار کند. در نتیجه ایران نیز ناچار شده، سیاست منطقه‌ای خود را با واقعیت‌های جدید تطبیق دهد. اگر در گذشته ایجاد و حفظ محورهای ایدئولوژیک اولویت اصلی بود اکنون همکاری‌های اقتصادی، تجارت، ترانزیت و پروژه‌های مشترک نیز به بخشی از دستورکار سیاست خارجی تبدیل شده‌اند.

برندگان واقعی نظم جدید

در این میان شاید نتوان از یک کشور به‌عنوان برنده نهایی نام برد اما می‌توان از یک الگوی موفق سخن گفت. کشورهایی که توانسته‌اند با بیشترین تعداد بازیگران منطقه رابطه برقرار کنند امروز از قدرت مانور بیشتری برخوردارند. امارات، قطر و تا حدی ترکیه، نمونه‌های بارز این رویکرد هستند. این کشورها نه براساس وفاداری ایدئولوژیک بلکه براساس منافع اقتصادی، سرمایه‌گذاری، تجارت، امنیت انرژی و جایگاه ژئوپلیتیک تصمیم می‌گیرند. آنها تلاش می‌کنند در هیچ تقابل منطقه‌ای، همه تخم‌غ‌های خود را در یک سبد نگذارند. شاید مهم‌ترین ویژگی خاورمیانه امروز این باشد که دیگر نمی‌توان آن را با واژه‌هایی مانند «محور مقاومت» یا «محور غرب» به‌طور کامل توضیح داد. این مفاهیم هنوز وجود دارند اما دیگر تعیین‌کننده همه رفتارهای دولت‌ها نیستند. اکنون کشورها بیش از گذشته در حال ساختن روابط چندلایه هستند؛ روابطی که ممکن است در حوزه انرژی دوستانه، در مسائل امنیتی رقابتی و در موضوعات سیاسی محتاطانه باشد. این پیچیدگی، تحلیل منطقه را دشوارتر کرده اما در عین حال نشان می‌دهد که دولت‌های خاورمیانه بیش از گذشته به هزینه و فایده تصمیم‌های خود می‌اندیشند. به همین دلیل شاید مهم‌ترین تحول سال‌های اخیر نه تغییر جایگاه یک یا دو کشور بلکه تغییر منطق حاکم بر سیاست منطقه باشد. خاورمیانه از عصر اتحادهای دائمی وارد عصر ائتلاف‌های شناور شده که در آن «منافع» بیش از «هویت» رفتار دولت‌ها را شکل می‌دهد. اگر این روند ادامه یابد، رقابت‌های ژئوپلیتیک از میان نخواهند رفت اما احتمالاً بیش از گذشته در چارچوب مذاکره، موازنه و همکاری‌های موردی مدیریت خواهند شد. خاورمیانه جدید نه منطقه‌ای بدون تنش بلکه منطقه‌ای با ائتلاف‌های سیال است؛ جایی که دوست و دشمن، دیگر مفاهیمی ثابت نیستند بلکه با تغییر منافع، جابه‌جا می‌شوند.

@saazandeginews
saazandeginews
www.saazandegi.ir

سازندگی

مناقصه عمومی

شهرداری اصفهان در نظر دارد عملیات «تأمین، نصب و راه اندازی تجهیزات اکتیو شبکه شهرداری منطقه ۹ اصفهان» را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت و تحویل اسناد مناقصه تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. متقاضیان شرکت در مناقصه در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:
تاریخ انتشار مناقصه: ۱۴۰۵/۰۴/۳۰
مهلت دریافت اسناد مناقصه: ۱۴۰۵/۰۵/۰۶
مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۵/۰۵/۱۷
زمان بازگشایی پاکت ها: ۱۴۰۵/۰۵/۲۰

نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ضمانت نامه معتبر بانکی به میزان شش میلیارد (۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه: اصفهان، بلوار آئینه خاله،ایندای بن بست سپیده، سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری اصفهان- تلفن: ۰۳۱-۳۱۳۷۷۰۰۰

شهر داری اصفهان